The Culture of Islamic Architecture & Urbanism

Re-evaluation of the Patterns and Practices of Contextual Architecture in Islamic Cities in the Age of Globalization

Erfan Khasm Afkan Nezam[1]*, Fereshte Navidi Majd[2], Babak Fadavi Anbiayee[3]

1 PhD Candidate in Architecture, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.
2 Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Islamshahr Branch, Islamshahr, Iran.
3 Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Islamshahr Branch, Islamshahr, Iran.
(Received 31 Jul 2019, Accepted 24 Dec 2019)

In the world architecture literature, Islamic architecture features as an important and noteworthy historical tradition. This tradition is regarded far beyond a purely historical tradition by Iranians. Iranian architecture represents a manifestation of unity in plurality and an attempt to achieve unity in the plurality world through uniting the opponents via an order; this kind of architecture, is considered as a part of architectural identity in Islamic Iran. In the Iranian-Islamic culture, architect as a devotee worshiper and bystander in this world, would design and implement the capsule of human living in harmony with the facts of the universe and not for the sake of showing off, as he relied on a power beyond human will and control. It is not through wealth, dexterity and expertise but through the amount of transparency, capability and requirement is able to get a glimpse of the infinite truth and manifest it in his work, with respect to the physical, historical, climato-geographical and socio-cultural contexts of the architectural context. "Islamic architecture", unlike Renaissance architecture, does not make man aware of the function of each part of building, as this is a mixing between two realms of reality from the Islamic view point and means lack of intellectual honesty. Accordingly, it is through considering "identity" in the context that brings plurality close to "diversity," and it is the diversity that makes life attractive and beautiful. Nowadays, religion and religious teachings have been however marginalized in the body of the contemporary Iranian city, resulting in a body shaped entirely based on the patterns of modernity (especially contemporary western civilization) or globalization. This, and the available literature on contextualism, warranted a study on this field of Islamic view and Muslim thinkers. The present study consists of two parts: in the first part, using the "meta-analysis" method, addresses the previous works on the "Islamic city" and its subsets as well as "contextualism" in the Islamic thought and the available literature of eastern thinkers. In the second, the components are analyzed based on the types of "contextualism" in the contemporary architecture before the "model of Islamic view on context" is presented in a diagram. Based on the results, considering the design processes and patterns practiced and formed by "experienced and thoughtful architects" represents a way to grasp socio-cultural roots of contemporary society. Because, these projects adhere to simple and consistent patterns that stem from the culture, beliefs, nature and lifestyles of the community, and the conversion of these factors into architectural patterns should be explained to the public and should be acted in a way that the simple and consistent principles become context of the architectural designs spontaneously. This study aimed at obtaining a single source, guiding principles and executive guidelines to be used by designers in designing new buildings in the valuable contexts of Islamic cities; as "future shapes and patterns will be born in relation to the past and the persistent and repeating past principles will take on their new form with new experience and insight."

Keyword: Islamic city, Responses architecture, Reverence, Contextualism pattern, Context.

* Corresponding author. E-mail: erfannezam@yahoo.com

Copyright© 2020, the Authors | This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial .terms

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

مقالهٔ پژوهشی

DOI: 10.29252/ciauj.5.1.123

سال پنجم، شماره اول- بهار و تابستان ۹۹

بازشناسی الگوها و رویه‌های معماری زمینه‌گرا در اندیشه و شهرهای اسلامی در عصر جهانی‌سازی

عرفان خصم‌افکن نظام[۱]، فرشته نویدی مجد[۲*]، بابک فدوی انبیائی[۳]

۱. دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ایران.

۲. استادیار دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، ایران.

۳. استادیار دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۰۱، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۰۲)

چکیده

معماری ایرانی در دوران اسلامی، تجلی وحدت در کثرت و تلاش برای رسیدن به یک وحدت در عالم کثرت با متحد کردن اجزا بر اساس نظم است؛ این نوع معماری، به‌عنوان بخشی از «هویت معماری» در ایران اسلامی شناخته می‌شود. در فرهنگ ایرانی- اسلامی، هنرمند، نه برحسب مکنت و مهارت و توانمندی که به میزان شفافیت و قابلیت و نیازمندی، می‌تواند با توجه به زمینه‌های کالبدی، تاریخی، اقلیمی- جغرافیایی و اجتماعی- فرهنگی زمینهٔ معماری و درک محیط پیرامون و دریافت پیامِ بستر طرح، ذره‌ای از بی‌نهایت حقیقت را دریابد و در اثر خود متجلی کند. بر همین مبنا توجه به «هویت» در زمینه است که «کثرت» را به «تنوع» نزدیک می‌کند و تنوع است که زندگی را جذاب و زیبا می‌سازد. اما در عصر حاضر، دین و آموزه‌های دینی در کالبد شهر معاصر ایرانی کاملاً به حاشیه رانده شده است که نتیجه، کالبدی است که کاملاً متأثر از الگوهای مدرنیته(به‌ویژه تمدن معاصر غرب) یا جهانی‌سازی، شکل‌گرفته است. ازاین‌رو و با مطالعات پیشین در حوزهٔ زمینه‌گرایی، نیاز به پژوهش در این حوزه از دیدگاه اسلامی و متفکران مسلمان احساس شد. این پژوهش، در قالب دو بخش به این موضوع می‌پردازد؛ در «بخش اول» با استفاده از روش «فراتحلیل» به ادبیات موضوعی تحقیق در حوزهٔ «شهر اسلامی» و زیرمجموعه‌های آن پرداخته می‌شود و «زمینه‌گرایی» در اندیشه اسلامی و ادبیات متفکران شرق موردبحث و بررسی قرار می‌گیرد؛ در «بخش دوم» مؤلفه‌ها بر اساس انواع «زمینه‌گرایی» در معماری معاصر مورد تحلیل قرارمی‌گیرند و سپس «مدل نگاه اسلامی به زمینه» در قالب یک دیاگرام ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی

شهر اسلامی، معماری واکنش‌گرا، احترام، الگوی زمینه‌گرایی، زمینه.

* نویسندهٔ مسئول مکاتبات: navidi@iiau.ac.ir

صفحات ۱۲۳-۱۴۹

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

مقدمه

در ادبیات معماری جهان، معماری اسلامی به‌عنوان یک سنت تاریخی مهم و قابل‌اعتنا، مطرح‌شده است. این سنت برای ایرانیان، جایگاه به‌مراتب بالاتری از صِرف یک سنت تاریخی دارد و به‌عنوان بخشی از هویت معماری در ایران اسلامی شناخته می‌شود (Fazelian & Eqbali 2017, 57). ایران معاصر، کشوری است که دارای دو گفتمان مهم اما رقابتی از هویت ملی است: یکی برگرفته از آداب‌ورسوم و اساطیر باستانی پیش از اسلام و دیگری با شیوه‌ها و اعتقادات شیعی اسلامی (Mozaffari 2014). در فرهنگ ایرانی- اسلامی، به دلیل اتکا به نیرویی بیرون از اراده و قدرت انسان، معمار به‌عنوان عابد سالک و رهگذر در این جهان، ظرف زندگی انسان را هماهنگ با حقایق عالم و نه به‌منظور خودنمایی، طراحی و اجرا می‌کرد(Taghvaie 2016). همان‌طور که پالاسما نیز بیان کرده‌است: «معماری از حکمت شهودی و زیستهٔ معمار نشئت می‌گیرد، نه از واقعیت‌ها، نظریه‌ها و روش‌ها (Pallasma 2013, 11)». اگر فرض بگیریم که رسالت نبوی از طریق وحی برای انتقال حقایق الهی به انسان محقق می‌شود و تمدن اسلامی، در حقیقت، تجلی تحقق جامعهٔ دینی مطلوب خداوند است، هنرمند در این جامعه در دستگاه عبادی، نه برحسب مکنت و مهارت و توانمندی که به میزان شفافیت و قابلیت و نیازمندی، می‌تواند ذره‌ای از بی‌نهایت حقیقت را دریابد و در اثر خود متجلی کند (Hojat 2012, 179). معماری ایرانی در دوران اسلامی، تجلی وحدت در کثرت و تلاش برای رسیدن به یک وحدت در عالم کثرت با متحد کردن اجزا بر اساس نظم است؛ بر این اساس، در اسلام بر عالم هستی با تأکید بر وجود آفریدگار به‌عنوان منشأ یگانه و همچنین، بر سلسله‌مراتب وجودی، که خود متکی به اصل وحدت بوده و به امر الهی هماهنگ و انتظام یافته است، تأکید می‌شود (Nasr 1990, 54). رویکرد «معماری زمینه‌گرا»، که بر ویژگی‌های «بستر» و «زمینه» اثر به‌عنوان مهم‌ترین رکن در خلق معماری تأکید می‌کند، به‌عنوان یک حلقهٔ اصلی از روند تکاملی برای رسیدن به معماری پایدار مطرح می‌شود؛ بر همین مبنا توجه به زمینه‌های کالبدی، تاریخی، اقلیمی- جغرافیایی و اجتماعی- فرهنگی زمینهٔ معماری و درک محیط پیرامون و دریافت پیامِ بستر طرح، از اصول مهم در معماری پایدار است (Hashempour, Nezhadebrahimi, and Yazdani 2018, 106). از دیگر موارد مهم در زمینه‌گرایی، توجه به «هویت» است که «کثرت» را به «تنوع» نزدیک می‌کند و تنوع است که زندگی را جذاب و زیبا می‌سازد (Islami 1998).

در عصر جهانی‌شدن، معماری نوین متعهد به در نظر گرفتن آحاد جامعه و فرهنگ‌های گوناگون است که باید نیازهای روزانهٔ مردم و فنّاوری موجود را در نظر گیرد و محیطی سرزنده خلق کند. جنبش روش نوین طراحی، امروزه در تلاش است مردم را در طرح، درگیر کند. مانند کریستوفر الکساندر که به دنبال طرح‌هایی با محوریت بیشتر مردم است. رویکردهایی که علوم رفتاری، اجتماعی و محیطی را در نظر می‌گیرند، جمعیت بیشتری از مردم را در طرح دخالت می‌دهند. در ادبیات متفکران شرق نیز، بر مشارکت مردم در طراحی تأکید شده است (Rezaei 2014, 64- 66). اسناد بالادستی و دیدگاه‌های رهبران و تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی، نشان می‌دهد که آن‌ها به‌صورت صریح و ضمنی، تمدن‌سازی و ایجاد تمدن نوین اسلامی را به‌عنوان هدف انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی معرفی کرده‌اند (Ghasemi 2018, 2)؛ ازاین‌رو و با مطالعات پیشین در حوزهٔ زمینه‌گرایی، نیاز به پژوهش در این حوزه، با دیدگاه اسلامی احساس شد. در این راستا اساس پژوهش را می‌توان در قالب دو بخش بیان کرد: «بخش اول» با استفاده از روش «فراتحلیل» به‌عنوان یکی از روش‌های توصیفی که با ارزیابی تحقیقات انجام‌شده، به ترکیب و یکپارچه‌سازی نتایج آن‌ها می‌پردازد (Seddigh 2000, 69 Quoted by Shahidi 2008) و همچنین به ادبیات موضوعی تحقیق در حوزهٔ «شهر اسلامی»

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

و زیرمجموعه‌های آن پرداخته می‌شود و «زمینه‌گرایی» در اندیشهٔ اسلامی و ادبیات متفکران شرق موردبحث و بررسی قرار می‌گیرد. سپس در «بخش دوم» با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی، رویکرد «زمینه‌گرایی» در معماری معاصر موردبررسی و تحلیل قرارمی‌گیرد و سپس «مدل نگاه اسلامی به زمینه» در قالب یک دیاگرام ارائه می‌شود.

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. ضرورت‌های استفاده از معماری زمینه‌گرا در عصر جهانی‌شدن (یکسان‌سازی)

انسان، همواره در تعامل با محیطی است که متضمن معانی و سطوح مختلفی است و در برابر هر یک از آن‌ها رفتار خاصی را انجام می‌دهد و از سوی دیگر، انعکاس همین رفتار به محیط بازمی‌گردد (Gharehbaglou & Nari Ghomi 2015, 19). امروزه «بافت محلات» به دنبال بی‌اهمیت شدن، به‌طورکلی ارتباط خود را با ذهنیت انسان ساکن در آن ازدست‌داده و او را با بحران هویت جدی مواجه ساخته است (Pirbababei et al. 2016, 56). «بحران هویت در معماری و شهرسازی معاصر ایران» موضوعی است که تاکنون، تألیفات متعددی پیرامون آن نگاشته شده است. در شهر و معماری امروز «بی‌تناسبی، بی‌هویتی، خودنمایی، تقلید، فردگرایی، مصرف‌زدگی، سعی در تشابه به بیگانه، اهتمام در تمایز از همگان، فشار روانی، آلودگی، زشتی، فقدان دوستی و آشنایی» و بسیاری از کمبودها که لازمهٔ زندگی انسانی هستند، عرصه را بر انسان تنگ کرده است. تکلیف نهایی هر چیز را، ماشین تعیین می‌کند. محیط و فضای بی‌هویت و تقلیدی از مغرب زمین، تأثیرات نامیمونی بر فرهنگ و رفتار جامعه نهاده است (Naghizadeh 2002, 70). دین و آموزه‌های دینی، در کالبد شهر معاصر ایرانی، به‌طورکامل، به حاشیه رانده شده است که برای این موضوع مهم، می‌توان مصادیق متعددی را با تطبیق بافت‌های شهری سنتی و معاصر ایران، به‌روشنی تبیین کرد. کنش‌های کالبدی شهر، محصول بینش‌ها و ارزش‌های مولد آن است و نمی‌توان نظام کالبدیِ شهر معاصر ایرانی را با نظام کالبدیِ مورد تأیید مدرنیته و تمدن مدرن تطبیق داد، مگر آن‌که نظام بینش‌ها و ارزش‌های حاکم بر شهر ایرانی نیز متناسب با نظام تمدن مدرن، متحول شود. بر همین اساس، بحران هویت در نظام معماری و شهرسازی معاصر ایران، نتیجهٔ این موضوع مهم است که کالبدی که توسط این نظام برای زیست، عرضه می‌شود، کالبدی است که کاملاً متأثر از الگوهای مدرنیته(به‌ویژه تمدن معاصر غرب) یا جهانی‌سازی است- تا جایی که پس از ظهور هر سبک در معماری و شهرسازی غرب، می‌توان آثار و تبعات آن را در نظام معماری و شهرسازی معاصر ایران، پی‌جویی کرد- اما نظام بینشی و ارزشیِ حاکم بر شهر ایرانی، همچنان اصالت اسلامی خود را تا حدودی(البته به‌صورت نسبی) حفظ کرده است و هنوز، انگاره‌های غیرمادی در بسیاری از مناسبات مختلف شهر و شهروند ایرانی، از مؤلفه‌های مهم حیات شهری است؛ ازاین‌رو، به‌رغم تحول و الگوبرداری تمام و کمال کالبد شهر ایرانی از شهر غربی(که در نمودهایی مانند: بزرگراه‌ها، برج‌ها، پل‌ها و تغییر الگوی سکونت و ... بروز یافته است)، باطن(و درواقع بینش‌ها و ارزش‌های حاکم بر شهر ایرانی)، تبعیت کاملی از مابه‌ازای غربیِ خود نداشته است و هنوز رگه‌های قابل‌توجهی از اصالت اسلامی را در نظام بینشی و ارزشیِ معماری و شهرسازی معاصر ایران می‌توان دید. نتیجهٔ این امر؛ بر اساس تصویر شماره ۱، عدم سنخیت بین نظام بینشی و ارزشی با کنش‌ها و سبک‌های کالبدی در معماری و شهرسازی معاصر ایران و بالتبع، بروز بحران هویت است (Raeesi 2017, 69-70).

۱-۲. پیشینهٔ مطالعات صورت گرفته در حوزهٔ «زمینه‌گرایی» در ایران

در بررسی و تحلیل مطالعات صورت گرفته در حوزهٔ رویکرد زمینه‌گرایی، در بازهٔ زمانی بین سال ۱۳۸۰، که تقریباً اولین مقالهٔ علمی به زبان فارسی در این حوزه منتشر شد، تا سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که نیاز به تحقیق و مطالعه در حوزهٔ «زمینه‌گرایی در اندیشه اسلامی» یا در «حوزهٔ شهرهای

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

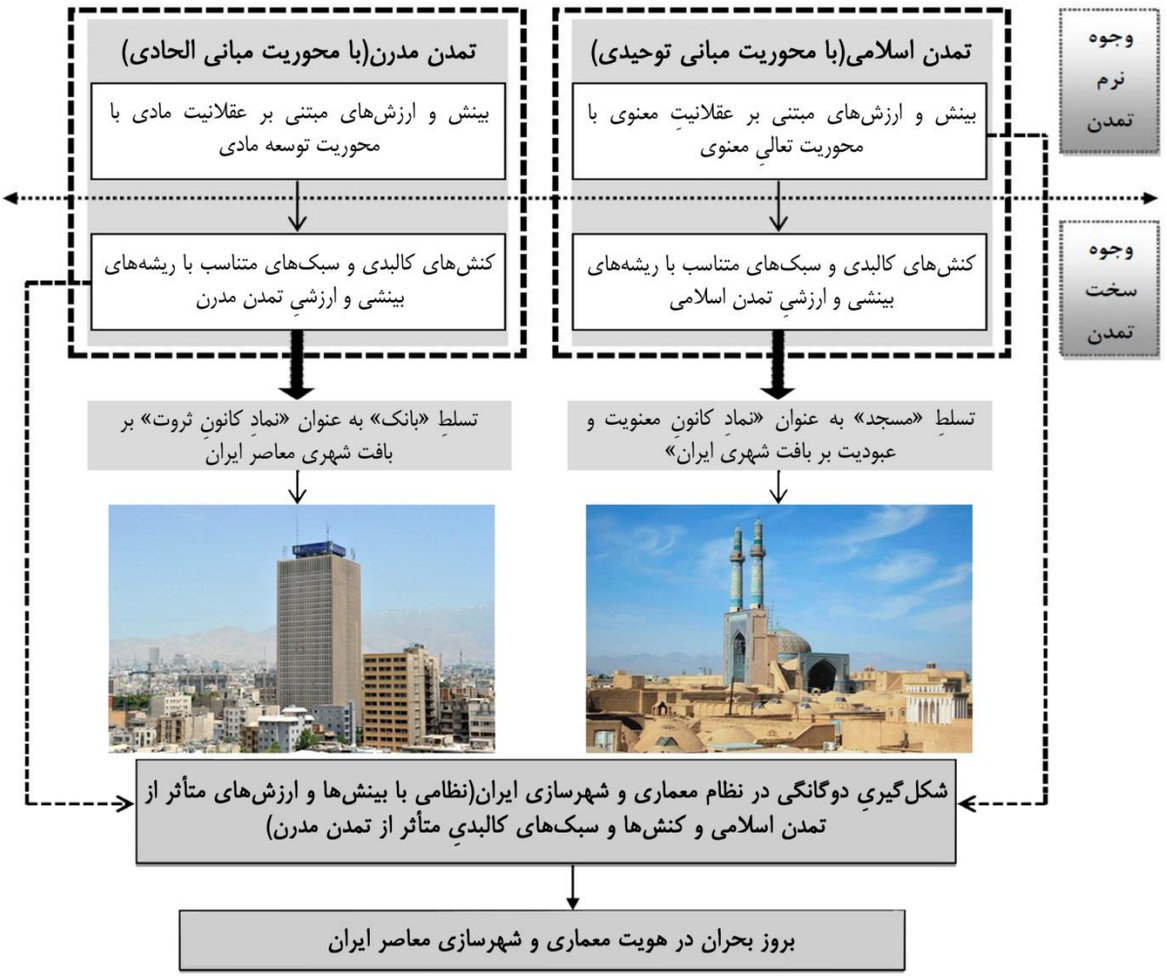

تصویر ۱: بروز بحران هویت در نظام معماری و شهرسازی معاصر ایران، به دلیل عدم‌تجانس و تناسب مبانی بینشی و ارزشی این نظام با کنش‌ها و سبک‌های کالبدی آن؛ اقتباس از (Raeesi 2017, 69, 73).

Fig. 1: The Identity Crisis in Contemporary Architecture and Urban Development of Iran due to Incompatibility and Proportion of Insights and Values of this System with its Physical Actions and Styles (Raeesi, 2017: 69, 73).

اسلامی» احساس می‌شود. اصطلاح «تمدن نوین اسلامی»، یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین گفتمان‌هایی است که رهبر اندیشمند انقلاب اسلامی، آن را به‌عنوان بلندترین آرمان امت اسلام ارائه کرده است؛ آرمانی که ملت ایران، با انقلاب اسلامی سنگ بنای آن را نهاد. «شهر اسلامی»، «معماری اسلامی» و ... همگی زیرمجموعهٔ این تمدن، محسوب می‌شوند. مقام معظم رهبری، در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، در شهریور سال ۱۳۹۲، ضمن بیان آرمان نظام اسلامی، تمدن اسلامی را نیز این‌گونه تعریف می‌کنند:«تمدن نوین اسلامی دو بخش دارد: یک بخش ابزاری که می‌توان آن را بخش سخت‌افزاری دانست؛ از قبیل علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ که همه وسیله‌اند؛ دیگری بخش حقیقی، نرم‌افزاری و اصلی تمدن است که همان سبک زندگی، متن زندگی، عقل معاش و فرهنگ زندگی است»(Molavi 2018, 142). زمینه‌گرایی در معماری اسلامی که از آن با عنوان «احترام» به بستر طرح(اعم از: زمینه فرهنگی، انسانی، کالبدی و ...) یاد می‌شود، درواقع، بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی محسوب می‌شود و به همین خاطر بررسی و تحلیل آن مطابق جدول شماره ۱، بسیار حائز اهمیت است.

۲. شهر اسلامی

شهر اسلامی (به معنای شهر ایده‌آل از منظر اسلامی)، شهری

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

جدول ۱: بررسی «مطالعات صورت گرفته در حوزهٔ «زمینه‌گرایی» در ایران
Table 1: Review of 'studies in the field of "contextualism" in Iran

ردیف	نام پژوهش و تاریخ آن	نویسنده	موارد مطرح‌شده
۱	زمینه‌گرایی در شهرسازی، (۱۳۸۰)	نوین تولایی	دسته‌بندی رویکردهای «زمینه‌گرایی در شهرسازی»: ۱)زمینه‌گرایی کالبدی(متعهد به «شکل کل از قبل موجود»)؛ ۲)زمینه‌گرایی تاریخی(متعهد به «میزان و نظم رابطه اجزای شهر در طول زمان»)؛ ۳)زمینه‌گرایی اجتماعی- فرهنگی(متعهد به «معانی، ارزش‌ها و اهداف مشترک») (Tavallaei 2002).
۲	معماری زمینه‌گرا (سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم)، (۱۳۸۶)	برنت برولین (ترجمه:راضیه رضازاده)	در طول «تاریخ معماری»، همیشه «تفسیر جدیدی» از معماری وجود داشته، ولی هر اثر معماری به شیوهٔ خود «تأثیری از گذشته» را نیز حفظ کرده است؛ یک روش طراحی که به دلیل الهام از «روحیهٔ مکان»، موجب «تقویتِ هویت محله» شود(Brolin 2007).
۳	مدیریت در محوطه‌های میراث جهانی(راهنمای مدیریت در محوطه‌های میراث فرهنگی جهان)، (۱۳۸۶)	برنارد ملشیور فیلدن، یوکایو یوکیلتو (ترجمه: پیروز حناچی)	بناهای جدید در زمینه تاریخی می‌بایست بیانگر «روح زمان حاضر» و «القاکنندهٔ آن» باشند ولی درعین‌حال طرح آن‌ها باید به «زمینه تاریخی‌ای که بنا در بستر آن» قرارگرفته، توجه کند. شیوه‌های طراحی‌ای گونه از بناها، مبتنی بر «ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی خاص منطقه تاریخی» موردنظر، «نوع وضعیت ساختارهای موجود»، «میزان همگونی با محل» متفاوت خواهد بود(Feilden 1998).
۴	بررسی چگونگی به‌کارگیری مفاهیم و آداب سنتی- آیینی در خلق فضاها و آثار معماران معاصر ژاپن، (۱۳۸۷)	محمدرضا پورجعفر، احسان رنجبر، آرین امیرخانی	بررسی آثار معماران معاصر ژاپنی، به‌وضوح اهمیت رجوع به معماری گذشته و استفاده از اصول و مفاهیم معماری «سنتی- آیینی» ژاپن را نشان می‌دهد. به دلیل وجود مفاهیمی غیرکالبدی نظیر اوکو(Oku)، ما(Ma) و می‌گاکور(Miegakure) در معماری کهن ژاپن؛ معماران معاصر با انعطاف‌پذیری بیشتری توانسته‌اند کالبد این مفاهیم را در آثار خود متبلور کنند، همچنین استفاده از کیفیت‌های فضایی ادیان و آیین‌های مختلف مانند: شینتو و بودیسم(Pourjafar et al. 2008).
۵	رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی ، (۱۳۹۱)	یلدا شاه‌تیموری، حامد مظاهریان	شاخص‌هایی جهت حفظ و ارتقای ارزش‌های موجود در بستر: ۱) خصوصیات زمینه تاریخی؛ ۲) موقعیت قرارگیری؛ ۳) مقیاس؛ ۴) شکل؛ ۵) مصالح و جزئیات(Shahteimori & Mazaherian 2013).
۶	بازشناسی اصل افقی‌گرایی در معماری اسلامی، (۱۳۹۱)	سیدغلامرضا اسلامی، مهنوش شاهین‌راد	اهمیت هماهنگی میان صورت پدیدار و مفهوم و ساختار عمقی آن در هنرهای اسلامی انکارناپذیر است. در این زمینه، به‌کارگیری اصول و قواعد برخاسته از این مفاهیم، هماهنگی مذکور را تضمین می‌کند. «اصل افقی‌گرایی»، یکی از اصول و قواعد راهنمایی است که به‌کارگیری آن در معماری اسلامی، تمایز بیانیِ این هنر را بر اساس شالودهٔ معنی‌اش برآورده می‌سازد(Islami & Shahinrad 2012).
۷	بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی(مبانی طراحی شهری و معیارهای ارزیابی)، (۱۳۹۲)	محمد مسعود، مسعود بیگ‌زاده شهرکی	رویکردهای مختلف طراحی بناهای میان‌افزا در مجاورت «بافت‌های تاریخی»: ۱)رویکرد تضاد و تباین بیشینه‌ای و صراحت سبکی؛ ۲)رویکرد تشابه بیشینه‌ای و سبکی و هم‌افزایی جدید و قدیم؛ ۳)رویکرد حفظ نما(نماسازی تزیینی)؛ ۴)رویکرد شباهت نسبی، عناصر و خطوط وحدت‌بخش؛ ۵)رویکرد معماری خنثی(درجه صفر)؛ ۶)رویکرد هم‌نشینی معماری موقت و ناپایدار، مضحک و فانتزی؛ ۷)رویکرد ایجاد ساختمان‌های ناآشکار(آیینه‌ای)؛ ۸)رویکرد منسجم و متداوم معماری زمینه‌گرا؛ ۹)رویکرد ترکیبی(Masoud & Beigzadeh Shahraki 2013).
۸	جستاری بر تبیین دیدگاه‌های منطقه‌گرایی و سیر تحول آن‌ها در معماری معاصر، (۱۳۹۲)	قادر بایزیدی، ایرج اعتصام، فرح حبیب، سیدمصطفی مختاباد امرئی	نظریه منطقه‌گرایی از رویکردهای بومی‌گرایانه و تأکید بر برداشت‌های کالبدی و مباحث سبکی، شکلی و زیبایی‌شناسی منطقه، به سمت رویکردهای نوین و توجه به مباحث اجتماعی، فرهنگی، زیست‌بوم و ارتباطات انسانی تغییر رویه داده، در پی تعدیل اندیشه‌های تعصب‌گرایانه و محدودیت‌زای پیشین و تقویت نگرش تعاملی و استفاده از مزایای جهانی است. تأکید بر مشارکت مردم و طراحی با تمرکز بر نیازها و قابلیت محلی در راستای تحقق توسعه پایدار، روش پایین به بالا در طراحی به جای روش متمرکز از بالا به پایین، توجه به نیازهای واقعی انسان و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و هنجاری در راستای مقاومت در برابر یکسانی محیط مصنوع، تقویت حس مکان، حفاظت خلاق به جای نگاه

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

			رجعت‌گرا، منطقه‌گرایی انتقادی و منطقه‌گرایی تعاملی از راهبردها و گفتمان‌های غالب منطقه‌گرایی در قالب رویکردهای کالبدی، بوم‌شناختی و معنایی به شمار می‌روند(Bayzidi et al. 2013).
۹	چگونگی مداخله زمینه‌گرا در پایداری و باززنده‌سازی بافت‌های تاریخی با بهره‌گیری از روش چیدمان فضا، (۱۳۹۴)	معصومه زارع‌زاده، سارا دانشمند، محمد علی‌آبادی	معماری زمینه‌گرا نه تأکید بر تقلید دارد و نه مانع نوآوری و خلاقیت است و پیام آن، ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است که می‌تواند هم برای خود اثر معماری و هم برای زمینه، عاملی مثبت و تقویت‌کننده باشد(Zarezadeh, et al. 2015).
۱۰	تبعیت فرم از داده: معماری زمینه‌گرا در عصر دیجیتال، (۱۳۹۴)	ابوالفضل گنجی‌خیبری، داراب دیبا، آزاده شاهچراغی	دسته‌بندی «**زمینه**» در طرح معماری: ۱)«زمینهٔ بصری(Visual Context)» : شامل داده‌هایی وابسته به «اندازه، مقیاس، ریتم، توده، رنگ‌بندی و نوع مصالح مصرفی»؛ ۲)«زمینهٔ فرمال(Formal Context)»: شامل داده‌هایی وابسته به فاکتورهای فیزیکی ساختمان، داده‌های اقلیمی و زیست‌محیطی، ویژگی‌های محلی و خصوصیات توپوگرافی؛ ۳)«زمینهٔ انسانی(Human Context)»: شامل داده‌هایی وابسته به «هویت، فرهنگ و اجتماع» و عواملی که در بازسازی حس نوستالژی و انتزاع فضا در سوژه انسانی مؤثر هستند؛ ۴)«زمینه‌های دیگر(Other Contextual Factors)»: شامل داده‌هایی وابسته به «الگوهای فرهنگی- اجتماعی» و «اقتصادی»(Ganji Kheibari et al. 2015).
۱۱	ارزیابی الگوها و شناخت فاکتورهای کالبدی تأثیرگذار در معماری خانه‌های تاریخی نیشابور جهت دستیابی به راهکارهای طراحی و الگوی ساخت منازل در بافت مسکونی سنتی، (۱۳۹۵)	سیدامیر میرسجادی، هیرو فرکیش	**نگرش‌های مطرح «الگوشناسی معماری» در ارتباط بستر:** ۱)«نگرش اقلیمی»؛ ۲)«نگرش شکلی»؛ ۳)«نگرش تاریخی- تکاملی»؛ ۴)«نگرش فضاگرا»؛ ۵)«نگرش زیستی- اجتماعی» (Mirsajadi & Farkisch 2017).
۱۲	طراحی شهری و منطقه‌ای زمینه‌گرا در مسیر سفر امام رضا(ع) به ایران، (۱۳۹۵)	محمدتقی پیربابایی، اصغر مولائی	رویکرد طراحی شهری و منطقه‌ای زمینه‌گرا، مبتنی بر توجه و احترام به زمینه‌های ارزشمند است. این امر، طی فرآیندی منعطف و پویا با جامع‌نگری به ابعاد تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، طبیعی و ... به تقویت کیفیات محیطی در ابعاد مذکور و پایداری محیط می‌پردازد(Pirbabaei & Molaei 2016).
۱۳	بازشناسی نگرش به زمینه در بناهای ساخته‌شدهٔ میدان مشق تهران در دوره پهلوی اول، (۱۳۹۶)	کاوه بذرافکن، علی‌اکبر اکبری، فرهاد تهرانی، حسین سلطان‌زاده	- **دسته‌بندی معیارهای «زمینه‌گرایی»: الف)«جنبه فضایی»:** ۱)حجم: توده ساختمان در سه بعد؛ ۲)موقعیت: محل قرارگیری ساختمان نسبت به سایت آن و ارتباط آن با خیابان‌ها، فضاها و ساختمان‌های دیگر؛ ۳)ارتفاع: ارتفاع ثابت بین خط آسمان ساختمان‌ها؛ **ب)«جنبه بصری»:** ۱)عقب‌نشینی: عقب‌نشینی بنا از خیابان برای احترام؛ ۲)جهت‌گیری: در نظر گرفتن احترام در قرار دادن قسمت ورودی نسبت به ساختمان‌های اطراف؛ ۳)ریتم: سازماندهی و اندازه عناصری از ساختمان که معمولاً در نما تکرار می‌شوند؛ ۴)تناسب: در نظر گرفتن ارتباط بصری بین عناصر؛ ۵)ساخت‌مایه و رنگ: به‌عنوان بیانیه‌هایی برای نمایش سنت‌های بومی؛ ۶)مقیاس: اندازه و تناسب ساختمان نسبت به سوژه‌های اطراف آن؛ ۷)جزئیات: پاسخ به جزئیات متمایز از ساختمان‌های موجود در همسایگی.
			- **دسته‌بندی معیارهای «منطقه‌گرایی»:** ۱)مصالح بومی: استفاده از مصالح بوم‌آورد؛ ۲)ساخت بومی: استفاده از تکنولوژی ساخت بناهای گذشته؛ ۳)دارای عناصر منطقه‌ای یا ملی: استفاده از کهن‌الگوها؛ ۴)همساز با اقلیم: شکل‌گیری فرمی بنا بر اساس شرایط خاص هر منطقه؛ ۵)هندسه و تناسبات معماری بومی: استفاده از هندسه و تناسبات پرتکرار در پلان و نما(Bazrafkan et al. 2017).
۱۴	زمینه‌گرایی در آثار معماران غیرایرانی در دورهٔ پهلوی اول، (۱۳۹۷)	سعید بابایی، مهدی خاک‌زند	- **معیارهای واجد اهمیت در زمینه‌گرایی: الف)«عملکرد»:** ۱)پویایی: زمینه، شرایطی با ارتباطات پویا است(اسپیرن، ۱۳۹۵). زمینهٔ معماری زمینه‌گرا، متغیر و

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

			متحرک(بهمنی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ ۲)ارتباط بصری با زمینه: معماری در زمینه دارای ارتباط بصری قوی با زمینه(قدیری، ۱۳۸۵)؛ **ب)«کالبد»:** ۱)تناسبات و مقیاس انسانی: ارزش‌های کالبدی برای برآمیختگی متناسب توده و فضا برای ایجاد یک کل استوار(توسلی، ۱۳۷۶). مقیاس انسانی(بهمنی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ ۲)روح مکان: روح مکان(شولتز، ۱۳۹۲). کالبد به مثابه جامعه‌ای برای روح مکان(Heidegger 1954)، توجه به ارزش‌ها و روح مکان در وابستگی به زمینه(Fritsch 2001)؛ ۳)ارتباط با پیرامون: طرح در هماهنگی با زمینه(Ibid)، توجه زمینه‌گرایی به ویژگی‌های خاص یک مکان و به‌کارگیری آن‌ها در طراحی(میرمقتدایی، ۱۳۸۳)؛ ۴)زیرساخت: توجه به زیرساخت یک زمینه طراحی(Wetzel 1962)، نظام ارزش‌های زیرساختی زمینه، باعث شکل گرفتن طرح معمارانه(Le Corbusier 1927)؛ **ج)«فرهنگی- تاریخی»:** ۱)جنبه تاریخی: توجه به ارزش‌ها و کهن‌الگوها(Frampton 1995)، جاری بودن نظام ارزش‌ها و کهن‌الگوها در اثر(Fritsch 2001)، زمینه‌گرایی به دنبال رویدادهای تاریخی(تولایی، ۱۳۸۶)؛ ۲)ارزش‌های اجتماعی: معنادهی به محیط به کمک فرهنگ و تبدیل فضا به مکان(Rapaport 1997)؛ د)«طبیعت»: ۱)بستر طبیعت: توجه به ارزش‌های یک زمینه در طراحی، در تقلید کامل از طبیعت (Frampton 1995)، اهمیت فرآیندهای اجتماعی و طبیعت در طول سالیان در بستر(Harvey 2005)؛ **ه)«معماری»:** ۱)نقش طراح: تأکید بر نقش طراح برای دستیابی به مقصودی آگاهانه(Wetzel 1962)، برخورد با زمینه وابسته به مهارت و تجارب طراح (Fritsch 2001)؛ ۲)طرح معماری: «زمینه» مولد طرح (Fritsch 2001)، زمینه یک منبع اساسی برای طراحی(Yorgancioglu 2004)، وظیفه طراحی، سازگاری میان فرم و زمینه
۱۵	تحلیل نظریات معاصر در مواجهه با زمینه در طراحی معماری، (۱۳۹۸)	پویان نقوی، حامد مظاهریان	زمینه و زمینه‌گرایی از دو بُعد «قیزیکی» و «انسانی» برخوردار است؛ از میان سه راهکار اصلی مواجهه با زمینه شامل «زمینه‌گرایی(نوع ارتباط با زمینه: تجانس، تعامل، هماهنگی و پیوستگی)»، «زمینه‌گریزی(نوع ارتباط با زمینه: تمایز، تباین، گسستگی و بی‌ارتباطی)» و «زمینه‌ستیزی(نوع ارتباط با زمینه: تعارض، تقابل، ناسازگاری و رودررویی)»، رویکرد زمینه‌گرایی از ابتدای تاریخ معماری همراه طراحی معماری و عموماً ملاک مثبتی برای ارزیابی آن بوده، از مقبولیت بیشتری برخوردار است(Naghavi & Mazaherian 2019).
۱۶	نقش مهندسان آلمانی در معماری معاصر ایران(با تأکید بر دوره پهلوی اول بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰)، (۱۳۹۸)	مرتضی میرزاحسینی، حسین سلطان‌زاده، فریبا البرزی	استخدام باستان‌شناسان آلمانی، اکتشاف، برداشت و ثبت آثار تاریخی نظیر پرسپولیس، خدمت باستان‌شناسان آلمانی در کنار سایر متخصصان خارجی برای «کمک به استفاده از مضامین باستانی» در «معماری» (Mirzahosseini et al. 2019).

مسجدمحور است و رکن کالبدی و ماهوی آن، مبتنی بر این فضای عبادی است که این امر، ریشه در آموزه‌های اسلامی مبنی بر اصالت عبادت و قرب به خدا در متن نظام هستی دارد (The Holy Quran, Zariat: 56). بر همین اساس، کنش‌های کالبدی شهر اسلامی باید متأثر از اصالت عبودیت و بینش‌های معنوی باشد کما اینکه این انگاره‌ها، نه تنها بر مساجد، بلکه بر سایر ابنیهٔ شهر، مؤثر و در کل متن آن جاری بود. در همین راستا، برخی از علما از آیه«وَ جَعَلوا بیوتکم قبله» (The Holy Quran, Yunes: 87) چنین استنباط کرده‌اند که منظور این آیه، این نیست که همه شهروندان مسکن خود را در جهت جغرافیایی قبله قرار دهند، بلکه منظور آن است که همه تحولات و مناسبات شهر اسلامی (حتی مناسبات غیرعبادی نظیر سکونت) باید بر حقیقتِ محور قبله که همانا عبودیت است، شکل گیرد (جدول شماره ۲) (Mirbagheri 2014, Quoted by Raeesi 2017, 63- 69).

۲-۱. بایدهاونبایدهای «شهر اسلامی» از نظر کالبدی و عملکردی در قرآن و احادیث

در دهه‌های اخیر، متون متعددی در مورد شهر اسلامی منتشرشده است. اندیشمندان مسلمان کمتر به مطالعاتی

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

جدول ۲ : تحلیل «شهر اسلامی»

Table 2: Analysis of "Islamic City"

ادبیات «شهر اسلامی»	«شهر اسلامی» مفهومی برای معرفی شهرهایی متأثر از فرهنگ و آموزه‌های دینی و ارزش‌های اسلامی است(Pourahmad & Mousavi 2011, 1). شهر اسلامی به شهرهایی اطلاق می‌شود که در سرزمین‌های دارای فرهنگ و اعتقادات نشئت‌گرفته از دین اسلام ایجادشده و یا رشد یافته‌اند. «شهرنشینی و شهرهای اسلامی، دوره‌ای مشخص و محدود(چهارده قرن پیش تاکنون) را در برمی‌گیرد و با کمال شگفتی بر پهنه‌ای بسیار وسیع در سه گوشهٔ جهان و کم‌وبیش مهم و باستانی گسترش یافته‌است. این پهنه از اقیانوس اطلس تا دریای چین، از خلیج گینه تا آسیای مرکزی، از بالکان تا اندونزی و از شاخ آفریقا تا خلیج بنگال گسترده شده‌است(Cumeo 2005, 14- 15)».	
انواع «شهر اسلامی» (Pourjafr, Pourjafar, & Safdari 2015, 8)	**شهر مسلمانان ایرانی، هندی و ...**	شهری است که مسلمانان هر دیار آن را تا حدودی بر اساس قرائت خود از اسلام، منافع و فرهنگ پیشین خود(زرتشتی، هندو، مسیحی و ...) برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و مدیریت کرده‌اند و می‌کنند(موجود و یا پیشنهادی).
	شهر اسلامی	شهری است که برای رسیدن به آن بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام و نه براساس خرده‌فرهنگ‌ها و عرف جوامع(جهت برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و مدیریت) تلاش شود.
	شهر امت اسلامی	شهری است که بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام و فرهنگ مشترک اکثریت مذاهب و فرق اسلامی ساکن در آن، به‌صورت جهانی و گلوبال؛ برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا و مدیریت شود.
	شهر آرمانی اسلامی	مدینه فاضله‌ای است بهشت‌گونه، ایده‌آل و آرمانی که برای رسیدن به آن تلاش می‌کنیم و کاملاً بر اساس اصول دین مبین اسلام و نه بر اساس خرده‌فرهنگ‌ها و عرف جوامع؛ برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و مدیریت شود.
ارکان شهر (Naghizadeh 2015, 47- 48)	ارکان شهر عبارت‌اند از: **اول:** «انسان»، متشکل از «اهل شهر» و «مدیران شهر»، که در این زمینه(یعنی دربارهٔ انسان) اصلی‌ترین موضوع، جهان‌بینی و باورهای انسان یا جامعهٔ موردنظر است؛ **دوم:**«ارتباطات»، که ارتباط هر دو جزء موجود در شهر را موردتوجه قرار می‌دهد و شامل فرهنگ، اخلاقیات، رفتارها، قوانین و عُرف جاری در جامعه می‌شود. ارتباطات «انسان(که شهر برای زندگی او ساخته می‌شود)» با «هستی (که شهر در آن پدید می‌آید)»، عبارت‌اند از: ارتباط با خالق هستی، ارتباط با طبیعت، ارتباط با اجتماع، ارتباط با محیط مصنوع و ارتباط با خویش (نکتهٔ بنیادین در همه این ارتباطات این است که نه‌تنها قبل و حین ارتباط نباید از خداوند غافل بود، بلکه نتیجه ارتباط نیز باید سبب تقویت رابطهٔ انسان با خداوند سبحان باشد)؛ و **سوم:** «کالبد شهر» قرار می‌گیرد.	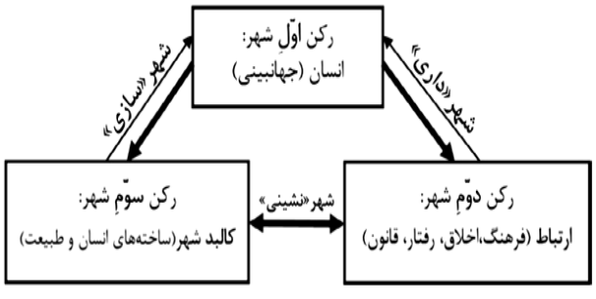
بنیان‌های اجتماعی زندگی شهری در دوره اسلامی(Ashraf 1975: 49)	«بنیان‌های اجتماعی زندگی شهری» در دورهٔ اسلامی شامل: «محله، انجمن‌های اخوت و اصناف، اجتماع مذهبی یا امت و دولت» بود. «محله»، واحد اصلی روابط اجتماعی بود و پس از آن انجمن‌های اخوت و سایر انجمن‌های سری قرار داشتند. محلات و اصناف از نظر اداری کمابیش همانند یکدیگر بودند و رؤسای آنها واسطه‌ای بودند میان «مردم» و «حکومت». هر دو این اجتماعات بیشتر جنبهٔ محلی داشتند و قلمرو فعالیت‌شان دیوارهای شهر بود. مذهب و حکومت قلمرو وسیع‌تری داشتند و حدود فعالیت‌شان، کُل مناطق شهری بود، یعنی شعاع عمل آن‌ها تا مناطق زیر نفوذ گسترده می‌شد. از آنجا که هر محله برای خود شهرکی جداگانه بود و بیشتر اوقات کشاکش میان محلات وجود داشت و اصناف نیز قدرت چندانی نداشتند، مهمترین عامل همبستگی اجتماع شهری، «مذهب» و «دولت» بود. در مواردی که هر محله، جایگاه پیروان یکی از فرقه‌های مذهبی بود، مذهب نیز نمی‌توانست یکپارچگی جامعهٔ شهری را نگاه دارد. از این رو، تنها نشانهٔ همبستگی شهری، وجود «حکومت» بود. دستگاه قضایی نیز کمابیش با دستگاه حکومت همبسته بود و دادگاه‌های شهری از استقلال بی‌بهره بودند. دستگاه کلانتر شهر نیز، که اساسا برای حمایت از منافع مردمِ محلات و اصناف شهری ایجاد شده بود، در عمل، واسطه‌ای برای گردآوری بدون سر و صدای مالیات‌ها، عوارض و بیگاری‌ها بود.		

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

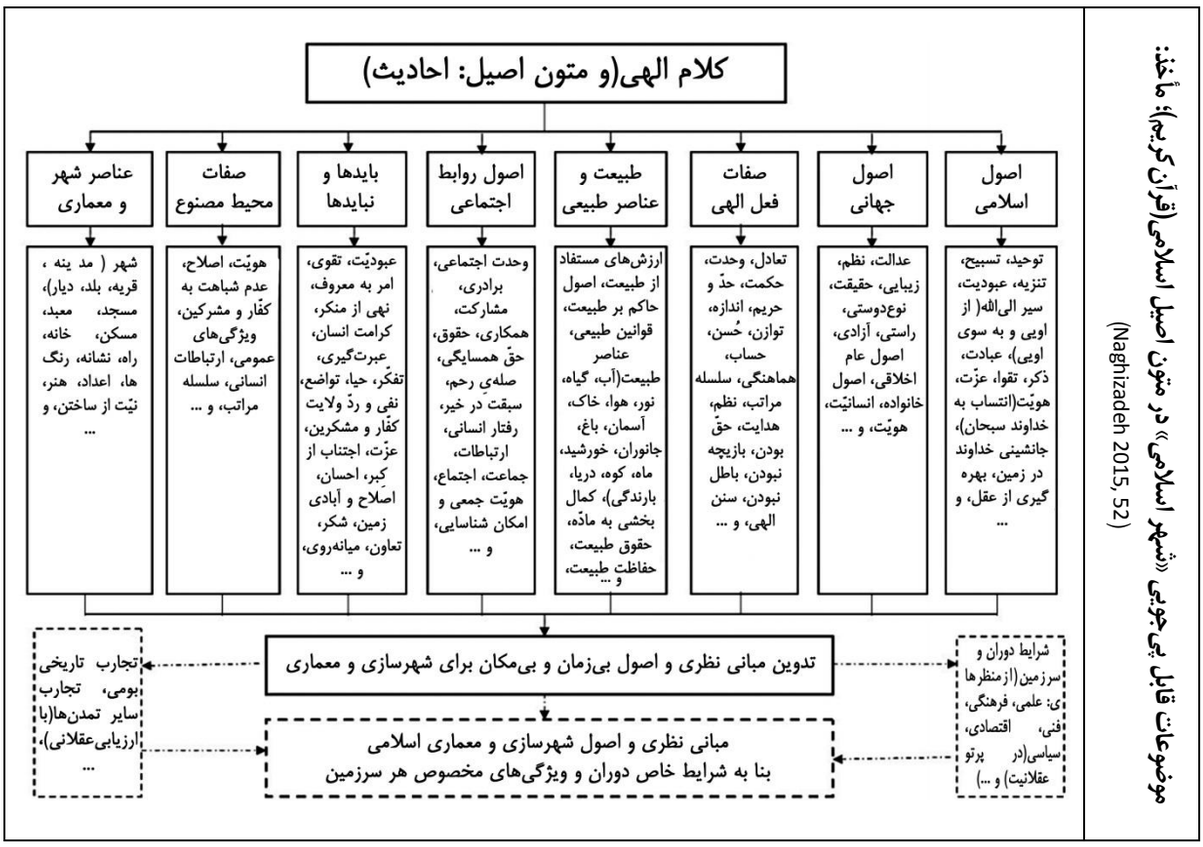

موضوعات قابل پی‌جویی «شهر اسلامی» در متون اصیل اسلامی(قرآن کریم)؛ مأخذ: (Naghizadeh 2015, 52)

پیرامون تعریفی شفاف از شهر اسلامی، شاخص‌سازی، نحوه اسلامی کردن و تبلور فیزیکی آموزه‌های دینی(به‌خصوص آنچه در قرآن کریم، نهج‌البلاغه و دیگر احادیث معتبر آمده است) پرداخته‌اند (Pourjafar 2015, 3). دین مبین اسلام، در عرصه‌های مختلف زندگی انسان اصول و معیارهایی دارد؛ بلاشک این معیارها شامل برنامه‌ریزی و طراحی شهری نیز می‌شود. مبانی تئوریک شهرسازی اسلامی می‌تواند مبتنی بر اصول اعتقادی در آیین مقدس اسلام باشد (Mortada 2005, 8 -7). با تکیه‌بر آیات قرآن‌کریم، اوصاف و ملاک‌هایی برای تعریف و ساختن شهر به معنای قریه مطلوب اسلامی وجود دارد. برخی از این اوصاف شاخص را در آیاتی همچون «آیه ۱۱۲ سورهٔ مبارکهٔ نحل، آیه ۵۸ سورهٔ اعراف و آیه ۳۵ سورهٔ ابراهیم» می‌توان مشاهده کرد. این کلیدواژگان عبارت‌اند از: «امنیت، اطمینان، دین الهی(رسالت و نبوت)، فراوانی رزق و زراعت، طیب، آمن(در معنی «آمن» را متفاوت با «امنیت» دانسته‌اند و آن را بیشتر به ایمان اهل شهر مربوط می‌دانند)» (Ghorbani 2012, 22). در سورهٔ سبأ، آیهٔ ۱۵ نیز آمده‌است:«لَقَد کَانَ لِسَبَإٍ فی مَسکَنِهِم آیه جَنَّتَان عَن یمین وَ شِمالٍ کُلُوا مِن رِزقِ رَبِّکم وَشکُروا لَهُ بَلدَه طیبه وَ رَبٌّ غَفُورٌ: برای قوم سبا در شهرشان آیتی بود، و آن دو باغستان از راست و چپ محل بود، که گفتیم رزق پروردگارتان را بخورید، و شکر بر او بگزارید، شهری پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده». در تفسیر المیزان آمده که منظور از «بلده طیبه» سرزمینی است پر از چیزهای خوب برای زندگی کردن و «جنتان عن یمین شمال کلوا من رزق ربکم» نشان‌دهندهٔ آن است که رزق و روزی آن‌ها، از این دو باغ تأمین می‌شد، پس به شکر در مقابل آن نعمت‌ها مأمور شدند (Tabatabaie 1948). و منظور از «بلده طیبه» بنا بر دلالت لفظی آیه، شهری است از آیات خداوند که از طرفین (چپ و راست) در میان باغ‌ها قرار داشت. همچنین باید توجه کرد که خداوند در آیهٔ ۱۵ سبا فرموده است: «اشکروا له بلده طیبه و رب غفور» که با توجه به معنای آیه، نتیجه می‌شود که برای شهری که صفت «طیبه» بر آن قرار می‌گیرد، شکر لازم است. خداوند در سوره اعراف، آیه ۵۸ فرموده‌است:«وَ البَلَدُ الطَّیِّب یَخرُجُ نَباتُهُ بِإِذنِ رَبِّهِ وَ

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

الَّذی خَبُثَ لا یَخرُجُ إلا نَکِداً کَذلِکَ نُصَرِّفُ الآیاتِ لِقَومٍ یَشکُرونَ: و سرزمین پاک، گیاهش به اذن (تکوینی) پروردگارش (فراوان و پُربار) بیرون می‌آید، و آن(سرزمینی) که پلید است(گیاهش) جز اندک و بی‌خبر بیرون نمی‌آید (از طینت انسانی پاک، باورها و ملکات و کارهای زیبا، و از طینت پلید، عقاید و صفات و اعمال پلید برمی‌خیزد). این‌چنین ما آیات(توحید خود) را گوناگون می‌آوریم برای گروهی که سپاس می‌گزارند (The Holy Quran, Eraf: 58)». سرزمین پاکیزه و شیرین، گیاهش به‌فرمان پروردگار می‌روید اما سرزمین‌های بدطینت (و شوره‌زار)، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید این‌گونه آیات(خود) را برای آن‌ها که شکرگزارند، بیان می‌کنیم (Pourjafar, Pourjafar, & Safdari 2015, 13- 14). در جدول شماره ۳، به اصول بنیادین در شکل‌گیری و تکامل شهر ایرانی–اسلامی پرداخته شده است.

جدول ۳: اصول بنیادین در شکل‌گیری و تکامل شهر ایرانی– اسلامی (اقتباس از Ardalan et al. 1976, 147 Quoted by Izadi 2019)

Table 3: Basic principles in the formation and evolution of Iranian-Islamic city (Ardalan et al. 1976, 147 Quoted by Izadi 2019)

اصول	تعریف	تصویر
احساس تعلق به مکان	احساسِ اصیلِ ایرانیِ تعلق داشتن به مکان، بر پایهٔ مفهوم «ظرف و مظروف»	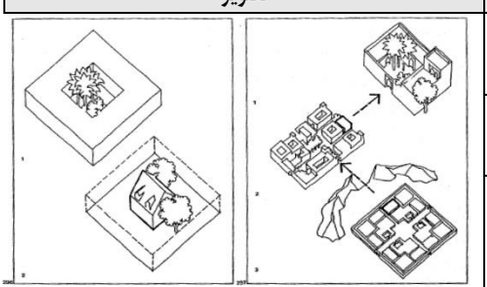
اقلیم	استفاده از آب و سایه و نیز هدایت نسیم‌های خنک، عناصر اصلی برای ایجاد خرده اقلیمی مطبوع در خانه و شهر ایرانی هستند.	
جهت‌یابی	برای به حداقل رساندن تأثیرات آفتاب سوزان و حداکثر ساختن تأثیرات نسیم‌های خنک	
دروازه	«دروازه» به‌عنوان عنصر اصلی در معماری ایرانی و طراحی شهر باید برای ایجاد «حسّ ورود» و «وجود قلمرو» و «جداسازی فضاهای محصور پنهان» از فضاهای خارجی مورداستفاده قرار گیرد.	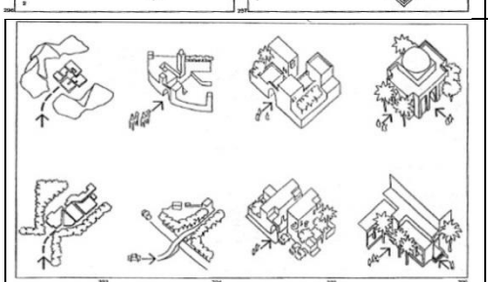
راه‌ها	شبکهٔ راه‌ها، سامانهٔ حرکت پیاده در اجتماع، باید متناسب با ساختمان‌ها و دیوارهایی که ساختمان‌ها را محاصره کرده‌اند، شکل بگیرند.	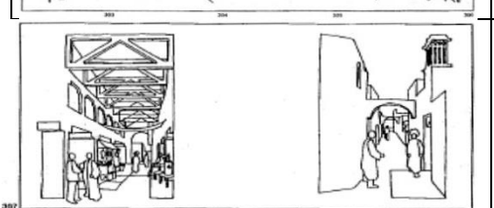
باغچه	«حیاط و باغچه»، خواه در مقیاس منزل و خواه در مقیاس اجتماع، باید حسی از آبادی یا «باغ بهشت» را به وجود آورد و مأمنی در گریز از شرّ اقلیم طاقت‌فرسا باشد.	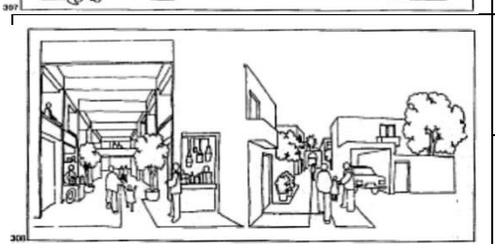
تقاطع	«تقاطع راه‌ها» یا خیابان‌ها باید به‌صورت فضایی متناسب با ویژگی‌های نمادین معماری سنتی ایرانی که فعالیت‌ها در آن تشدید می‌شوند، طراحی شود.	
تخت	استفاده از «تخت»، که سنت بسیاری از فرهنگ‌های قدیمی است، باید با نیاز معاصر به جداسازی عمودی کارکردهای متفاوت و محافظت از فشردگی شهرک‌های جدید سازگار باشد.	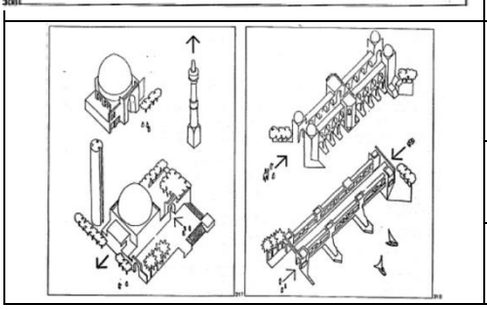
رواق	«رواق»، روش سه‌بُعدی تعدیل نفوذ نور به ساختمان است که برای استفادهٔ بیشتر از فضاهای نیمه‌بیرونی می‌توان از آن سود جست.	
شاخص‌های بومی	«شاخص‌های بومی» باید در شهرک‌سازی‌های جدید به‌عنوان «نشانه‌های جهت‌دار» و «علائم سرزمینی» مورداستفاده قرار گیرند.	

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

جدول ۴: برخی نمودها و ساحت‌های اخلاقی (احترام یا زمینه‌گرایی) در معماری اسلامی (Nezhad Ebrahim & Farshchian, 2014, 120)
Table 4: Some appearances and ethical aspects(respect or contextualism) in Islamic architecture (Nezhad Ebrahim & Farshchian, 2014, 120)

مؤلفه معماری	اثر گذاشته شده بر محیط و افراد	اثر اخلاقی منتج شده
سلسله‌مراتب حضور	ارزش نهادن بر افراد مهمان و افراد ساکن مکان معماری با توجه به سنت و مذهب	محترم داشتن دیگران بر خود
محرمیت	آسوده‌خاطر بودن افراد در مکان معماری ازلحاظ ارزشی و مذهبی	آرامش روانی و فکری
تزئینات	زیبایی محیط زندگی برای تأثیر بر نرم‌خویی و آرامش روانی افراد ساکن در مکان معماری	نرم‌خویی در رفتار و کردار
درونگرایی	ایجاد محیطی آرام و به دور از هیاهوی بیرون برای آرامش خاطر ساکنان	آرامش اعصاب و رفتار
تناسبات	احترام به مقام انسان و فاخر نمایش ندادن مادیات در مقابل معنویات	تقویت فروتنی معنویت

۲-۲. زمینه‌های «شهر اسلامی»

تعاملات اجتماعی و همسایه‌داری، ستون فقرات امت، محسوب می‌شود و اصول اسلامی که شامل روابط مستحکم اجتماعی و همسایگی و حفظ حقوق شهروندان است؛ می‌تواند موجب ارتقاء وضعیت اجتماعی در شهرها شود. در اسلام به «تواضع» به‌عنوان یکی دیگر از تکالیف مهم، توصیه شده‌است. در قرآن‌کریم آمده‌است:«وَ عِباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونا اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما: بندگان خدای رحمان آن کسانند که سنگین و با تواضع بر زمین راه می‌روند و چون جهالت پیشگان، خطابشان کنند سخن ملایم گویند (The Holy Quran, Forghan, 63)». در اسلام، هرگونه غرور، تکبر و خودستایی که سبب آزار عاطفی دیگر شهروندان شود؛ نفی شده‌است. این، خود، از شاخص‌های برگزیدهٔ مدنیّت و شهرنشینی است. به تجلی «تواضع» (به‌عنوان یک ویژگی اسلامی) می‌توان هم در رفتار و هم در بستر رفتار یعنی کالبد و طراحی آن توجه کرد. ساکنان محلات یک شهر، باید نسبت به یکدیگر «متواضع» باشند. ازنظر دین مبین اسلام، منحصربه‌فرد بودن، بیهوده بودن، تجمل‌گرایی، خودستایی، غرور و امثال آن چندان مقبول نیست. اسلام، زندگی تجملاتی را سبب ضعف، ناتوانی و انحطاط جامعه و نشانه بی‌عدالتی می‌داند. اسلام بر «اعتدال و میانه‌روی» تأکید می‌کند و امت اسلامی را امت میانه‌رو می‌خواهد (Pourjafar, Pourjafar, & Safdari 2015, 4- 5). در این راستا برخی نمودها و ساحت‌های اخلاقی در معماری اسلامی در جدول شماره ٤، ذکر شده است.

«اسلام» به‌عنوان یک دین کاملاً اجتماعی، تمام توجه خود را به‌مراتب زندگی و تحقق امت واحدهٔ اسلامی منتج شده از تعاملات مطلوب، معطوف می‌دارد. مقاصدِ رفتاری- اجتماعی که از کالبد انتظار می‌رود آن را برآورده سازد، برحسب میزانِ وابستگی به حوزهٔ فردی و جمعی در پنج رده طبقه‌بندی می‌شود: «خلوت، قلمروپایی، ابراز هویت، ارتباط معنایی با محیط، تعامل اجتماعی (جدول شماره ۵) (Gharehbaglou, Farshchian, & Alian 2016, 1)».

اخلاق در معماری اسلامی، تبیین‌کنندهٔ مسئولیت‌های اخلاقی اهل این حرفه و هنر در چهار بُعد زیر، محسوب می‌شود: الف)«بُعد فردی» به‌عنوان یک انسان مسلمان؛ ب)«بُعد خانوادگی» به‌عنوان نان‌آور خانواده و تعلیم‌دهنده فرزندان؛ ج)«بُعد شغلی» به‌عنوان یک صاحب‌هنر؛ د)«بُعد اجتماعی» به‌عنوان عضوی از جامعهٔ بزرگ اهل خدمت و صناعت کشور با آرمان‌های بلند ملی و دینی. چنین حرفه‌ای، بیش از هر چیز به سودمندی معنوی اثر و مسئولیت در برابر سنت اجتماعی، تاریخی، طبیعی و کانون همهٔ آن‌ها یعنی ذات باری‌تعالی می‌اندیشد (Noghrekar, hamzenejad, & Forouzande 2009, 41). سعی معماری سنتی بر آن است که معنا را در خود مجسم کند. تلاش معمار بر این بوده است تا صفات انسانی در بنا را به‌صورت وجودی با حیات و جاودانه متجلی سازد. هدف اخلاق اسلامی، رساندن نفس آدمی به آخرین افق‌های انسانی است. اخلاق در معماری ازآنجا نمود پیدا می‌کند که مرد با کوبیدن در کوبهٔ مخصوص مردان، نشان می‌دهد که مرد ایرانی شخصی دارای خلق‌وخوی انسانی است. وارد هشتی می‌شود؛ بعد میانسرا و دیگر فضاها، تمام

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

جدول ۵ : تأثیر هنجارهای اجتماعی اسلامی در پذیرا یا غیرپذیرا بودن افراد برای تحقق تعاملات اجتماعی(Gharehbaglou, Farshchian, & Alian 2016, 1)

Table 5: The impact of Islamic social norms on whether or not individuals are receptive to social interactions(Gharehbaglou, Farshchian, & Alian 2016, 1)

جامعه اسلامی				
هنجار اجتماعی	پیامد حاصل از رعایت هنجار	خصیصه اکتساب شده	نتیجه توجه به هنجار از طرف اجتماع و دین	ثمره در تعاملات اجتماعی
اخلاق	انجام فرائض دینی- الهی در خصوص نوع رفتار فرد	خلق نیکو	محترم شمرده شدن توسط افراد جامعه (احترام متقابل)	فردی که ازلحاظ اجتماع دارای بالاترین ضریب ایجاد روابط اجتماعی و حفظ و حراست جامعه است و قادر به برقراری تعاملات اجتماعی سالم در بین جامعه خود است
حفظ عزت	صرف‌نظر از خواسته‌های شخصی و تلاش در حفظ عزت و احترام	نفس فروتن		
احترام به سنت‌ها	اهمیت دادن به آداب‌ورسوم «فرهنگی- سرزمینی»	هویت‌مند		
حسنِ معاشرت	تلطیف داشتن در نوع ارتباط با دیگر افراد همنوع از هر طبقه‌ای	عطوفت طبع		
تعصب ورزیدن	تقید به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جامعهٔ خود	رعایت کنندهٔ حقوق شهروندی		
مسئول بودن	احساس وظیفه و مسئولیت داشتن نسبت به دیگران و هویت سرزمینی	قابل‌اعتماد بودن		

این مراحل سیر اخلاقیات است و بس. هدف آن دور کردن پلیدی‌ها و ارزش‌گذاری بر خوبی‌ها است (Nejad Ebrahim and Farshchian 2014, 120). جدول شماره ٦، به چکیده‌ای از دیدگاه متفکران دررابطه با راهبردهای زمینه‌گرایی در اندیشهٔ اسلامی می‌پردازد.

۲-۳. عوامل شکل‌دهنده به «هویت مکانی» در سازمان شهر اسلامی

خصوصیات مکان در بافت و سازمان‌یابی شهریِ شهرهای اسلامی که ما را به‌سوی درک هویت مکان رهنمون می‌سازد، به‌صورت «سیما و چشم‌انداز، نظم فضایی، رویداد، خاطره، جهت‌گیری و یگانه‌پنداری» قابل‌تفکیک است (Taban et al. 2011, 15). در خلق مکان‌های بامعنا، نقش حافظهٔ طراح از محیط‌های واجد معنا را نیز باید در نظر گرفت. بسیاری تجربهٔ مکان را نشئت‌گرفته از نحوهٔ ارتباط بین شخص و محیط می‌دانند. «شناخت مکان» در لحظهٔ حضور در آن صورت می‌گیرد که ساختار کالبدی با خصوصیاتش، تجارب ما از مکان، خاطره‌ها و احساس‌های وابسته به مکان را برای ما زنده می‌کند و شناخت ما از مکان را ممکن می‌سازد (جدول شماره ۷).

۲-٤. راهبردهای الگوبرداری هوشمندانه از «هویت مکانی» در شهرهای اسلامی

پدیده‌ای که امروز با آن مواجه هستیم را شاید بتوان «مقاومت هویتی» نامید؛ بدین معنی که کششی که از جانب عوامل خارجی از قبیل حرکت به سمت مدرن شدن(یا به عبارت بهتر به‌روز بودن یا مد روز بودن)، تطابق با فنّاوری روز، تلاش برای امروزی جلوه دادن ظاهر بنا و عوامل دیگر باعث شده‌اند تا نوعی مقاومت در لایه‌های گوناگون برای بازگشت و نگاهی دوباره به پیشینهٔ موجود، به وجود آید (Hooshyar Yousefi 2015). برای رهایی از این مقاومت بهتر است روشی خلاقانه‌تر در جهت الگوبرداری، نه صرفاً الگوهای فرمی، پیدا کرد، راهبردهایی که هر یک می‌تواند به‌عنوان فرآیندی در جهت «الگوبرداری هوشمندانه از «هویت مکانی» در بافت تاریخیِ شهرهای اسلامی» مورداستفاده قرار گیرد (جدول شماره ۸).

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

جدول ۶: راهبردهای زمینه‌گرایی در اندیشهٔ اسلامی از دیدگاه متفکران
Table 6: Contextualism strategies in Islamic thought from the perspective of thinkers

متفکر	انگاره(دیدگاه)	موارد مطرح‌شده
سیدغلامرضا اسلامی	اصل افقی‌گرایی در معماری اسلامی	اصل افقی‌گرایی در معماری اسلامی بر پایهٔ درک هماهنگی عمیق میان صورت بیانی، مفاهیم و پیام‌های معنوی، به‌عنوان شالوده و اساس، بازشناسی شده‌است. به‌کارگیری افقی‌گرایی در آفرینش آثار هنری سبب می‌شود این آثار از هر سو، مستقل از جهت نمایش، قابل خوانش باشند و ارزش‌های بصری و معنایی یکسانی را عرضه کنند. این ویژگی را می‌توان بارزترین وجه تمایز این‌گونه آثار با دیگر آثاری دانست که با تأکید بر محور عمودی، نظامی جهت‌دار و سلسله‌مراتبی را به نمایش می‌گذارند (در نظام عمودی، ارزش‌گذاری یکسان بر بخش‌ها و اجزاء مختلف مجموعه در جهات گوناگون، امکان‌پذیر نیست و اجزاء دارای مفاهیم و ارزش‌های متفاوتی هستند). آنچه «افقی‌گرایی در هنرهای اسلامی» را از دیگر گونه‌ها متمایز می‌کند، ریشه‌دار بودن این اصل، در عمق اعتقادات و جهان‌بینی اسلامی هنرمند و جامعه است. این نگرش، هنرمند و مخاطب را به «رازآموزی و رمزگشایی» دعوت می‌کند؛ رازی که حضورش در آثار هنری و معماری، موجب خلق مکان مقدس (مکانی برای خداوند) می‌شود(Islami and Shahinrad 2012, 42- 43).
محمدکریم پیرنیا	پنج اصل معماری ایرانی- اسلامی	**۱)«درون‌گرایی»:** درون‌گرایی در جستجوی «حفظ حریم محیطی» است که در آن شرایط کالبدی با پشتوانه تفکر، تعمق و عبادت به‌منظور رسیدن به اصل خویش و یافتن طمأنینهٔ خاطر و آرامش اصیل در درون، به نظمی موزون و متعالی رسیده‌است. به‌طور اعم و بر اساس تفکر شرقی و در سرزمین‌های اسلامی؛ «جوهر فضا» در «باطن» است و «حیاط درونی»، به وجود آورنده اساسِ فضا است. **۲)«پرهیز از بیهودگی»:** در این معماری، تلاش می‌شده‌است تا کار بیهوده در ساختمان‌سازی نکنند و از اسراف پرهیز می‌کردند. این اصل هم پیش از اسلام و هم پس‌ازآن، مراعات می‌شده است؛ در قرآن‌کریم آمده:«مؤمنان، آنان که از بیهودگی روی گردانند(مؤمنون: ۳)». **۳)«مردم‌واری (محوری)»:** به معنای رعایت تناسب میان «اندام‌های ساختمانی» با «اندام‌های انسان» و توجه به نیازهای او در فرآیند ساخت‌وساز است. **٤)«خودبسندگی»:** معماران ایرانی تلاش می‌کردند ساخت‌مایه موردنیاز خود را از نزدیک‌ترین جاها به دست آوردند و چنان ساختمان می‌کردند که نیازمند به ساخت‌مایه جاهای دیگر نباشد و «خودبسنده» باشند. بدین گونه کار ساخت با شتاب بیشتری انجام می‌شده و ساختمان با طبیعت پیرامون خود «سازگارتر» درمی‌آمده‌است و هنگام نوسازی آن نیز همیشه ساخت‌مایهٔ آن در دسترس بوده‌است. معماران ایرانی، بر این باور بودند که ساخت‌مایه باید «بوم آورد» یا «ایدری» (اینجایی) باشد. **۵)«نیارش»:** نیارش به دانش ایستایی، فن ساختمان و ساخت‌مایه (مصالح)شناسی گفته می‌شده‌است(Pirnia 2004).
حسن بلخاری قهی	«وحدت وجود»: مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی	اسلام دین توحید است؛ گوهر و ماهیت حقیقی این دین، «اصل وحدانیت و یکتایی حق» است. این اصل، بر تمامی ابعاد و اجزاء دین اسلام حاکم و در یک کلام، روح و حقیقت اسلام است. چنین وحدتی در تمامی ابعادِ زندگی امت اسلامی ریشه دارد. در معماری اسلامی، مفاهیمی چون: «غلبه، سلطه، سلسله‌مراتب قدرت، بالا و پایین» جایی ندارند و در مقابل، مفاهیمی چون: «هم‌نشینی، تکثر، رابطه، شبکه، بی‌پایانی، بی‌جهتی و همه‌جهتی» موردتوجه قرارگرفته است(Bolkhari Ghahi 2005, 39).
نادر اردلان	حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی	در هنر و معماری جامعهٔ سنتی؛ اصول سنت (خود)، الهام‌بخش نیروهای خلاقه آدمی است. عالم شهادت ساخته شد تا همسان عالم غیب باشد و هر چیزی در این عالم، هیچ نیست جز رمز و نماد چیزی در آن عالم(Ardalan and Bakhtiar 2001, 2- 3). قرآن، الگو و ضابطه مستقیمی برای آثار هنری ارائه نکرده، به این اعتبار، زمینهٔ مناسبی برای خلاقیت و نوآوری‌های هنرمندان، شرایط برای تغییر در زمینه و محتوی، متناسب با نیاز زمانی و مکانی، در اختیار هنرمند قرار داده‌شده‌است. هنرمند، تنها برای حفظ «سازگاری با روح اسلام»، ملزم به پایبندی و وفاداری به اصول اساسی هنر اسلامی است (Islami, 2011).
مهرداد قیومی بیدهندی	گفتارهایی در مبانی و تاریخ معماری و هنر	«معماری اسلامی»، برخلاف معماری رنسانس، انسان را متوجه به کارکرد هر قسمت از بنا نمی‌کند زیرا این امر ازنظر اسلامی خلط بین دو مرتبه از واقعیت و به‌منزلهٔ نداشتن صداقت فکری و عقلی است. در معماری اسلامی، ماده سنگین و بی‌شکل را با تزئینات گوناگون سبک می‌کنند و بدان حالت غیرمادی می‌دهند؛ چندان‌که گویی بلوری تراشیده از نور است. گویی ماده درونی آن‌ها نه سنگ، بلکه «نور الهی» یا «عقل خلاق» است که در همه‌چیز منزل دارد. سه ویژگی معماری اسلامی: ۱)«تبدیل فضا از امری صرفاً کمی به امری کیفی»؛ ۲)«ایجاد حال وجد در مخاطب»؛ ۳)«ایجاد زمینه و فضایی مساعد برای تفکر و تعقل»(Qayyoomi 2011, 295- 296).

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

جدول ۷: عوامل شکل‌دهنده به «هویت مکانی» در سازمان‌یابی شهر اسلامی
Table 7: Factors Shaping "Spatial Identity" in Organization of Islamic City

	عوامل شکل‌دهنده			
هویت مکانی	پیکره و سیما (چشم‌انداز به‌عنوان نماد هویت)	چشم‌انداز روشن، امکان رویارویی، ارتباط درون و بیرون، هماهنگی شکل و پیوستگی فضایی، وضوح، روشنی و سادگی، توالی و تداوم در دیدهای پیاپی، عناصر نشانه‌ای مشخص		
	نظم فضایی	تجانس بصری- عملکردی، نظم ادراکی، گروهی دیدن عناصر همخوان، محصور کردن فضا، ایستایی و پویایی، مقیاس و تناسب، قلمرو، ترکیب، فضاهای متباین		
	رویداد	سلسله‌مراتب فضایی، باورهای فردی و اجتماعی، نیاز، حضور در مکان، شناخت مکان		
	هویت فردی	مکان‌های فردی در کنار مکان‌های جمعی، گسترش مفهوم «خود»، خودانگیختگی، امنیت عاطفی و کالبدی		
	خاطره	کیفیت‌های بصری و هنری، ملاحظات زیباشناختی، ریشه داشتن، معنایابی، هم‌پیوندی فضا و انسان	جهت‌گیری	توالی نشانه‌ها جهت سنجش موقعیت، وضوح مسیر حرکت
			یگانه‌پنداری	کاراکتر مشخص مکان، موتیف‌های معنادار در پیکربندی

جدول ۸: راهبردهای الگوبرداری هوشمندانه از «هویت مکانی» در بافت شهر اسلامی (با اقتباس از Chokhachian 2015, 58)
Table 8: Clever modeling strategies of "spatial identity" in the context of Islamic city (Adapted from Hooshyar Yousefi and Chokhachian 2015, 58)

راهبردها	توضیح
راهبرد عمل‌گرایانه	در این روش از طراحی تلاش در جهت استفاده عملی و کاربردی از مجموعه اصول و قواعدی است که از معماری سنتی استخراج شده‌اند. در این روش «بازسازی الگوهای موجود در گذشته»، به‌صورت «کپی و جایگذاری مستقیم و بدون تغییر» انجام می‌گیرد. به‌نحوی‌که به‌طور کامل الگوها و المان‌های موجود در معماری سنتی به شکلی کاملاً عملی استفاده شوند.
راهبرد نمادین	هدف اصلی در این فرآیند، «باززنده‌سازی و ایجاد دوباره تصویری از معماری سنتی» با استفاده از «المان‌ها و ادبیات و الگوهای سنتی» در جهت ایجاد «بناها و عملکردهای امروزی» است.
راهبرد تشابهی	در این روش طراحی؛ سعی بر این است که معماری تولیدشده، «منعکس‌کننده پیشین و ارزش‌های سنتی خود» باشد اما بدون استفاده مستقیم از کپی‌برداری از المان‌ها و اشکال فرمال.
راهبرد منطقی	در این استراتژی از طراحی، معماری هویتی به‌گونه‌ای نمایش داده می‌شود که «اصل و مبانی معماری سنتی» بدون الگوبرداری مستقیم فرمی از المان‌ها جلوه نماید. به‌عبارت‌دیگر «قواعد طراحی» الگوبرداری می‌شوند نه «احجام هندسی».
راهبرد اختصاری یا رمزی	در این روش از طراحی تلاش بر این است که «قواعد موجود در معماری سنتی نیز دوباره تفسیر شده» و بعد از بازنگری به‌صورت «الگوهای مفهومی در کالبد بنا» اعمال شوند که این رویکرد نیز کپی‌برداری هندسی را نفی می‌کند.
راهبرد استعاری	در این راهبرد، طراح به‌طور عمدی طرح را از «اصول و مبانی سنتی» جدا ساخته و به‌نوعی تلاش در به «نمایش گذاشتن تجربیات شخصی و یا امروزی از هویت در معماری» است.

توان خردورزی و قوای عقلانی طراحان امروز، باید بیش‌ازپیش، از محدودیت‌های دست‌وپا گیر و باورهای نادرست در معماری فاصله بگیرد تا بتواند خود را هرچه بیشتر درگیر مباحث و مطالعات فرهنگی کند. این باور، امروزه به ضرورتی تبدیل‌شده تا بتوان با استفادهٔ منطقی از داده‌های بومی به معماری قابل‌قبول در سطح بین‌المللی دست‌یافت(Lim, 2004). به‌عبارت‌دیگر معماران امروزی، با پیش‌زمینه‌های فرهنگی و باورهای متفاوت با امکانات موجود، فرصت‌های بیشتری را پیش رو دارند تا بتوانند آثار خلاقانه و ناب‌تری را به وجود آورند و به‌طور آگاهانه در معماری و شهرسازی نوین ایرانی تأثیرگذار باشند (Hooshyar Yousefi & Chokhachian 2015, 58- 59).

۳. زمینه‌گرایی و روش‌های طراحی وابسته به زمینه

۳-۱. معماری واکنش‌گرا به زمینه

عنوان «معماری واکنش‌گرا به زمینه» ترجمه عنوان

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

«Responses to Site» از کتاب یورماکا گرفته شده‌است که جناب آقای دکتر بذرافکن مترجم کتاب«مقدماتی بر روش‌های طراحی»، تحت عنوان«واکنش‌هایی به بستر» ترجمه کرده‌اند و همچنین دکتر رضایی نویسنده کتاب «آنالوطیقای طراحی»، ایشان نیز با عنوان«واکنش به بستر» ترجمه و بیان کرده‌اند اما «معماری واکنش‌گرا به زمینه» یا «روش‌های طراحی وابسته به زمینه» چیست؟ در پاسخ به این سؤال ازنظر یورماکا؛ زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی، واکنش به زمینه‌ای است که طرح، در آن شکل می‌گیرد. او بر این باور است که زمینه‌گرایی شیوهٔ دیگر یافتن راه‌حل طراحی بر اساس متن و زمینه است که در آن دیاگرام‌های انتزاعی دربارهٔ ریخت‌شناسی محیط، ترسیم و تلاش می‌شود با ترکیب و کلاژ آن‌ها، طرحی نو با همان خصوصیات محلی پدید آید(Jormakka 2017, 60- 62). در معنای کلی می‌توان گفت که آغاز زمینه‌گرایی، «محله» است اما زمینه‌گرایی در دو جهت خُرد و کلان بسط می‌یابد. زمینه‌گرایی در «مقیاس کلان» به «منطقه‌گرایی» می‌رسد و در «مقیاس خُرد» به حال‌وهوای «درونی بنا» می‌رسد. اما وجه جهانی منطقه‌گرایی نیز از حد منطقه فراتر رفته و بُعدی جهانی می‌یابد و به «معماری پایدار» می‌رسد (Sayyadi, Maddahi, & Mohammadpour 2011)؛ بدین‌سان معماری زمینه‌گرا خود را اگرچه عمیقاً در مکان فرو می‌برد اما حضور خود را تا دوردست‌ها تا شهرها و کشورها تا جهان و کیهان برمی‌افرازد. تمرکز این پژوهش نیز، بر زمینه‌گرایی در تفکر و اندیشه اسلامی است.

۳-۲. الگوی «زمینه‌گرایی»

ساختار کلمهٔ فارسی «زمینه‌گرا» متشکل از ترکیب واژهٔ «زمینه»، به معنی «طرح، پیکره، گردَه، پشتوانه، مایه اعتبار (Dehkhoda 1998)» به‌علاوه پسوند «گرا» به‌عنوان صفت فاعل‌ساز است. معادل انگلیسی واژهٔ «زمینه‌گرا» در فرهنگ آریانپور، «Contextual» است که در متون تخصصی نیز از همین واژه استفاده می‌شود. ساختار واژه «Contextual» از ترکیب «Context» به مفهوم «محیط اطراف، شرایط، محیط‌زیست، پس‌زمینه» و یا «تنظیماتی که معنای یک رویداد یا واقعه» را مشخص و روشن می‌کند و پسوند «Ual» با مفهوم کلی «از نوع، مربوط به، داشتن فرم و یا شخصیت» تشکیل یافته‌است. زمینه‌گرایی بر زمین‌مداری و پیوند با فضا تأکید دارد و با درک پیامِ بسترِ خود شکل می‌گیرد و درواقع پیامی را که بستر معماری و شهری به او انتقال می‌دهد، به عینیت می‌رساند و طراحی می‌کند (Hashempour, Nezhadebrahimi, & Yazdani 2018, 109). زمینه‌گرایی بینشی فلسفی است که هر رویدادی را به‌مثابه عملی لاینفک از زمینهٔ موجود و تاریخی مستمر و مداوم می‌داند و رویکردی کارکردی و بنیادگرایانه درباره حقیقت و معنا در نظر گرفته می‌شود. ریشهٔ استعاری زمینه‌گرایی «عمل در زمینه (Act in context)» است. ملاک و معیار حقیقی زمینه‌گرایی «کارِ موفق یا عمل مؤثر» است (J.Fox, 2008, 55 Quoted by Pirbabaei & Molaei 2016, 108). برخی از اندیشمندان معتقد هستند که «طراحیِ زمینه‌گرا» با توجه به «ارزش‌های یک زمینه» به دو شیوه صورت می‌گیرد که عبارت‌اند از: ۱) محاکات (حکایت‌گری) و تقلید کامل از طبیعت و زمینه (اُرگانیک)؛ ۲) ارزیابی ارتباط فیزیکی و توصیفات فُرمال (پیاده‌سازی ارزش‌ها و کهن‌اُلگوها در قالب فرم) (Gregotti et al. 1992 Quoted by Babaei and Khakzand 2019, 176). بر اساس این تقسیم‌بندی، اولین مورد، «زمینه» را مولد و شکل‌دهندهٔ تمامیت یک اثر می‌داند و دومین مورد، به‌عنوان یک «مکان» بسترساز ایده‌های معین، بر اساس شبکهٔ ارزش‌ها (مجموعه ارزش‌های موجود) عمل می‌کند (Frampton 1995). نظریه‌پردازان زمینه‌گرایی، این موضوع را در چهار بُعد «کالبدی، تاریخی، اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی» بررسی می‌کنند (جداول شماره ۹ و ۱۰).

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

جدول ۹ : انواع زمینه‌گرایی (اقتباس از Tavallaei 2002; Pirbabaei and Molaei 2016)

Table 9: Types of contextualism (Adapted from Tavallaei 2002; Pirbabaei & Molaei 2016)

نوع	متعهد به	گرایش	دیدگاه
زمینه‌گرایی کالبدی	شکل کل از قبل موجود	کولاژ شهر	به اعتقاد صاحب‌نظران «کولاژ شهر»؛ در شهر سنتی، «بناها» زمینه هستند و «فضاها» اشکال متصل‌به‌هم و الگوی درهم‌بافته‌ای از تناوب فضایی را نمایان می‌سازند. در «کولاژ شهر»، روش ترکیب ویژگی‌های «فضایی- شکلی» شهر سنتی با شهر معاصر و ترکیب نوع آرمانی و زمینهٔ تجربی سنتی موجود، در دو مرحله انجام می‌شود: الف) در مرحله اول، فرآیند طراحی مبتنی بر روش قیاس است و از طریق تجرید و تحلیل شکل- زمینه، ابتدا الگوها و خصوصیات هر حوزه را مشخص و سپس ویژگی‌های حوزه‌های مجاور را تعیین می‌کنند. ب) در مرحله استقرایی، فرآیند طراحی به‌صورت انتخاب یا تحمیل نوع آرمانی به زمینه انجام می‌شود (Tavallaei 2002, 38).
زمینه‌گرایی کالبدی طراح نه‌تنها خود شیء بلکه رابطه متقابل آن را با سایر اشیای موجود در زمینه ملحوظ می‌دارد؛ زیرا معتقد است که «شکل بناها» بر اشکال مجاور و نزدیک آن تأثیر می‌گذارد. در تکمیل عناصر این رویکرد، رابطه بناها و فضاها را باهم در نظر می‌گیرند. در آن‌ها طراحی شهری مجموعه‌ای از اصول برای ایجاد رابطه متقابل یا پیوند میان ساختارهای چندگانه شهرهای معاصر از طریق طراحی تکه‌به‌تکه و در مقیاس خُرد است(Tavallaei 2002, 41).			
زمینه‌گرایی تاریخی	میزان و نظم رابطه اجزای شهر در طول زمان	سنت‌گرایی	سنت‌گرایی از سیمای شهر گذشته الهام می‌گیرد و بر این باور است که توسعهٔ جدید باید با محیط پیرامون رابطهٔ تنگاتنگی داشته باشد. کانون تفکر آنان، متوجه محیط شهری است که برای مردم مأنوس باشد (Tavallaei 2002, 38).
زمینه‌گرایی با تاریخ، فرهنگ و اجتماع پیوند دارد؛ ازاین‌رو، مفهوم مکان را جایگزین واژهٔ فضا می‌کند. مکان‌ها کل‌های انسان- محیطی محسوب می‌شوند که ازنظر زمانی، ماندگار هستند و روح جامعه را در ویژگی تاریخی- جغرافیایی سیمای شهر عینیت می‌بخشند. زمینه‌گرایی تاریخی، ویژگی‌های تاریخی را در نظر می‌گیرد و به مکان و جوهرهٔ تاریخی آن توجه دارد. ازاین‌رو، «سنت» را محترم می‌شمارد اما برای آن‌که «گذشته» برای «حال» قابل‌استفاده باشد، به «سنت زنده» رجوع می‌کند. «زمینه تاریخی» به خاطر دنیای از قبل موجود ارزش‌ها و خاطره‌ها اهمیت می‌یابد. «خاطره بصری» قادر است در طول فضا و زمان پیوندهایی ایجاد کند (Tavallaei 2002, 42).		نوسنت‌گرایی	گرایش جدیدی که برای طراحی شهرها از جنبش «حفاظت تاریخی» الهام گرفت و «سنت» را الهام‌بخش اندیشه‌های نو قرار داد، نوسنت‌گرایی است. نوسنت‌گرایی(Neo-Trditionalism) به اهداف اجتماعی نظر داشته است و بازگشت به نهادهای قدیمی عرصهٔ عمومی آگورا، معبد یا ورزشگاه را به دلیل فایده و اهمیت فضایی آن‌ها در حیات اجتماعی مهم شمرده است(Tavallaei 2002, 39).
زمینه‌گرایی اجتماعی- فرهنگی	معانی، ارزش‌ها و اهداف مشترک	معنی‌شناسی	در «معنی‌شناسی»، شکل شهری متنی است که باید تفسیر شود؛ شهرسازان برای آن‌که در شکل شهر، انسجام ارتباطاتی ایجاد کنند، به‌نوعی آنالوژی یا تشبیه روی آورده‌اند و «الگوهای شهری» را به «زبان بصری» تشبیه کرده‌اند. «منطق اجتماعی فضا» نشان می‌دهد که طراحی یک شیء دست‌ساختهٔ انسان منطق خاص خود را دارد. این شکل‌گیری در چند مرحله انجام‌شده است: ۱) در مرحلهٔ اول «اهداف عملکردی» در نظر بوده‌است و «عناصر یا مصالح» در قالب یک شکل به یکدیگر متصل شده‌اند تا یک «هدف» کاملاً تعریف‌شده یا مجموعه‌ای از اهداف، تحقق یابد. ۲) پس از انجام این کار، بُعد دوم، یعنی «سبک»، به آن اضافه می‌شود. منظور این است که «تزیینات» یا «تغییر شکل‌ها» می‌توانند اهمیتی بیش از کاربردهای عملی به دست‌ساخته‌ها بدهند و به عرصهٔ «هویت فرهنگی» یا «معنی» وارد شوند (Tavallaei 2002, 41).
اجزای شکل شهر را به واژه‌ها تشبیه کردند. گرچه هر یک از واژه‌ها به‌تنهایی واجد معنی است اما زمینه، یعنی کلمات قبل و بعدازآن نقش مهمی در درک معنی آن دارد. بنابراین هنگامی‌که عناصر از هم متمایز، به هم بپیوندند تا یک هدف، غایت یا معنی را برسانند، انسجام حاصل می‌شود. در این دیدگاه برای دریافت معنی به «فرهنگ» مراجعه می‌کنند که به نوبهٔ خود میان مردم، مشترک است. پژوهشگران برای «فهم» این معنی سعی دارند خود را به جای مردم فرض کنند و از دریچهٔ دید آن‌ها به شهر بنگرند. فهم مکان به فنونِ «مشاهدهٔ مشارکتی، انجام مصاحبه‌ها و تکمیل پرسش‌نامه‌ها» وابسته است (Tavallaei 2002, 42).			

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

		زبان‌شناسی	در «زبان‌شناسی»، معماری زبانی است که «شهر»، متن آن است. این مطالعات در زمرهٔ تحقیق‌ها در زمینهٔ قیاس‌های ساختاری است که «ساختار زبان» را با «ساختار شهر» تطبیق می‌دهند؛ به نظر آن‌ها، رابطه میان اجزای شکل شهر یا کلمات برای تشکیل سلسله‌مراتبی از کل‌ها یا جملات باید به‌گونه‌ای باشد که مخاطب به لحاظ تولید معنی اقناع کند. زبان نمی‌تواند متشکل از اجزای پراکنده باشد؛ انسان‌ها واژه‌ها را که جمله‌ها را می‌سازند، واژه به واژه ترجمه نمی‌کنند بلکه کل جمله را می‌خوانند و از طریق رابطهٔ متقابل واژه‌ها است که معنی وسیع‌تری از آن را درک می‌کنند. مهم‌ترین چیزی که معنی را می‌سازد «نشانه» نیست بلکه کل گفته یا بیان است که در ترکیب‌بندی آن نشانه واردشده است (King 1996 Quoted by Tavallaei 2002).
زمینه‌گرایی زیست‌محیطی	ظرفیت‌های محیطی	بوم‌گرایی	معماری «بومی یا سرزمینی» می‌تواند به هر نوع معماری که به یک مکان خاص تعلق داشته باشد، گفته شود. «معماری بومی» به‌عبارت‌دیگر معماری ساده‌تر، مردمی‌تر و درمجموع، معماری محسوب می‌شود که جوابگوی نیازهای قشر عام مردم است (Rapoport 1969: 1- 4). نام‌های دیگر «معماری بومی»: معماری ناشناخته، معماری سُنتی، معماری مردمی، معماری عامیانه و معماری بدون معمار است. «معماری بومی»، بدون دارا بودن سبک و به‌دوراز فرم و «مدل» خاص، خصیصهٔ بدیهه‌ساز بودن را حفظ کرده است.
علاوه بر سه زمینهٔ فوق، زمینه طبیعی یا زیست‌بوم نیز به‌عنوان یکی از زمینه‌های موردتوجه طراحان و برنامه‌ریزان بوده است. بشر ازآنجاکه جزئی از طبیعت است حتی اگر اراده کند، قادر نخواهد بود هرگز از طبیعت چشم‌پوشی کند. سازگاری با زیست‌بوم طبیعی، بسترِ اصلی طراحی فضای شهری پاسخ‌ده است. توجه به یکپارچگی اکولوژیکی و ریشه‌های اکولوژیکی از رئوس زمینه‌گرایی زیست‌محیطی است (Behzadfar et al. 2005, 67).		طراحی اکولوژیکی	رویکرد اکولوژیکی به‌زعم «ایان مک هارگ»، در کتاب «طراحی با طبیعت» در نظر دارد کیفیت‌های ذاتی یک مکان را کشف کند و به کار گیرد (Trancik 1986: 98). زمینه‌گرایی اکولوژیک همانا احترام به «ظرفیت محیطی» مورد مداخله و چرخهٔ کامل حیات ساختمان و مجموعه‌های ساختمانی است (Golkar 2008, 108- 109). همچنین احترام به طبیعت و عناصر طبیعی در آیات و روایات متعدد دین اسلام تأکید شده است (Pirbabaei & Molaei 2016, 112).

جدول ۱۰: مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های انواع زمینه‌گرایی (Hashempour, Nezhadebrahimi, & Yazdani 2018)

Table 10: Components and sub-components of a variety of contextualism(Hashempour, Nezhadebrahimi, & Yazdani 2018)

نوع	مؤلفه‌ها	زیرمؤلفه‌ها	
زمینه‌گرایی کالبدی	فضا (فضای مابین)	شبکه دسترسی (معابر و گره‌ها)	عرض معابر و درجه‌بندی شبکه دسترسی سواره
			نسبت عرض به ارتفاع در معابر
			الگوهای سلسله‌مراتبی در شبکه دسترسی سواره
			الگوهای سلسله‌مراتبی در شبکه دسترسی پیاده
			الگوهای سلسله‌مراتبی در محل اتصال شبکه سواره و پیاده
			الگوهای سلسله‌مراتبی در محل اتصال شبکه سواره و گره‌ها
			الگوهای سلسله‌مراتبی در محل اتصال شبکه پیاده و پیاده
			مصالح و کف‌سازی معابر و شبکه‌های دسترسی
		گره‌ها و میادین باز شهری	

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

زمینه‌گرایی تاریخی			منظر طبیعی در فضا		
			منظر مصنوعی در فضا		
	توده (کالبد معماری و فضای پُر)	کلیت حجم ابنیه معماری	سبک و تاریخ ابنیه		
			مقیاس و ارتفاع		
			دانه‌بندی، تراکم و نسبت فضاهای پُر و خالی احجام		
			تناسبات کلی احجام		
			مصالح	نوع و جنس	
				رنگ	
				بافت	
				نحوه ترکیب مصالح	
		نما و جداره‌های ابنیه	خط آسمان		
			خط کف		
			بازشوها و ورودی		
			تقسیمات، خطوط نمای جداره و ریتم‌های افقی و عمودی		
			بازی نور و سایه بر روی نماها		
			جزئیات اجرایی		
			آرایه‌های تزئینی		
		کاربری ابنیه			
	نحوهٔ تداخل توده و فضا		عقب‌نشینی ابنیه نسبت به معابر		
			تقسیم‌بندی قطعات زمین		
			جهت‌گیری ابنیه		
			فاصله بین ابنیه		
			دیدها، سکانس‌ها و چشم‌اندازها به عناصر منظر و توده‌ها		
	سنت زمینه		سنت مقدس(سنت دینی + سنت نبوی)		
			سنت مجرب		
			سنت افسانه‌ای		
	الگوهای موجود در شکل شهر گذشته	الگوهای کالبدی	بستر «طبیعی» شهر گذشته	توپوگرافی محدوده/ نشانه‌های طبیعی/ عناصر سبز/ عناصر طبیعی مؤثر در شکل بافت/ دیدهای ویژه	
			بستر «انسان‌ساخت» شهر گذشته	مشخصات کالبدی و شکلی توده و فضا در گذشته	
				اجزای شهر گذشته و نحوه ارتباط آن‌ها	
				میراث تاریخی به‌جامانده با تاریخچه تاریخی خاص آن مکان و نام مکان	
				عناصر نشانه‌ای خاطره‌ساز، نقاط مکث و تأکید	
		الگوهای عملکردی	کاربری‌ها، فعالیت‌ها و رویدادهای فراموش‌شده گذشته	کاربری‌ها، فعالیت‌ها و رویدادهای: «فرهنگی، سیاسی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، روزمره زندگی، تفریحی»	مراسم مذهبی، ویژه و اعیاد و جشن‌ها/ اعتراضات مردمی/ گذران اوقات فراغت/ تعاملات چهره به چهره
زمینه‌گرایی اجتماعی- فرهنگی	اکولوژی انسان		فیزیولوژیک انسان	مقیاس انسان	
				آناتومی و سیستم بدنی انسان	
			نیازهای انسان	نیازهای زیستی	
				نیازهای امنیتی	
				نیازهای اجتماعی	
				نیاز به خودشکوفایی	
				نیاز به احترام	

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

		فرهنگ انسان	معانی	معانی اشکال و پدیده‌ها
				معانی حاصل از روابط بین پدیده‌ها
			ایدئولوژی، باورها، ارزش‌ها و جهان‌بینی	
			دین و مذهب	
			کنش و واکنش	حالات و رفتارهای انسان
				روابط متقابل اجتماعی
زمینه‌گرایی زیست‌محیطی	کلیماتولوژی	مشخصات اقلیمی زمینه	ارتفاع از سطح دریا	
			عرض جغرافیایی	
			طول جغرافیایی	
		درجه حرارت	میانگین حداقل و حداکثر درجه حرارت در سال، در ماه، در شبانه‌روز	
		نور خورشید	موقعیت خورشید	
			زاویهٔ حرکت خورشید در فصول	
			شدت تابش خورشید	
			تعداد روزهای آفتابی در سال	
			تعداد روزهای یخبندان در سال	
		رطوبت هوا	رطوبت مطلق	
			رطوبت مخصوص	
			رطوبت نسبی	
			فشار بخار	
		باد و جریان هوا	انواع باد	بادهای تجاری
				بادهای غربی
				بادهای قطبی
				بادهای موسمی
				بادهای محلی
				نسیم‌های دریا و خشکی
			جهت وزش بادهای غالب در فصول سال	
			سرعت وزش بادهای غالب در فصول سال	
			فشار وزش بادهای غالب در فصول سال	
			تعداد دفعات وزش بادهای غالب در فصول سال	
		بارش	نوع بارندگی غالب	
			میانگین حداقل و حداکثر بارندگی در سال، ماه و شبانه‌روز	
	هیدرولوژی	آب‌های جاری سطحی		
		آب‌های زیرزمینی		
	ژئومورفولوژی	شکل ناهمواری‌های زمین		
		جهت و مقدار شیب زمین		
		جنس خاک		
		پوشش گیاهی غالب		

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

۳-٤. شاخص‌هایی جهت حفظ و ارتقای ارزش‌های موجود در معماری زمینه‌گرا

جدول ۱۱: شاخص‌هایی جهت حفظ و ارتقای ارزش‌های موجودِ «بستر» در معماری زمینه‌گرا (با اقتباس از Shahteimori & Mazaherian 2013)
Table 11: Indicators for preserving and enhancing the existing 'context' values in contextual architecture (Adapted from Shahteimori & Mazaherian 2013)

شاخص	توضیح	عوامل موردتوجه
خصوصیات زمینه تاریخی	– خصوصیت یک مکان از عوامل بسیاری همچون تغییرات طبیعی و مهم در سطح زمین (توپوگرافی)، عناصر مشخص در منظر طبیعی مکان، زمان و سبک بناها، مقیاس و شکل بناها، خیابان‌ها و الگوهای سلسله‌مراتب دسترسی، مصالح، تکنیک‌های ساختمانی و جزئیات اجرایی، رابطهٔ فضاهای پر و خالی و بازی نور و سایه بر روی نماها و تناسبات بازشوها، دیدها، چشم‌اندازها و خطوط آسمانی، ناشی می‌شود. – **کاربری‌های غالب و موجود در منطقه:** عملکرد ساختار پیشنهادی جدید نه‌تنها نباید سبب تضعیف کاربری‌های موجود شود بلکه باید ضمن سازگاری با کاربری‌های موجود، آن‌ها را تقویت کند.	فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی
موقعیت قرارگیری	– هر زمینه تاریخی دارای هماهنگی مشخصی در عقب‌نشینی‌ها، جهت‌گیری‌ها، تقسیم‌بندی‌ها و فاصلهٔ بین بناهای موجود است. – موقعیت قرارگیری ساختمان جدید باید منظر طبیعی موجود و دیدهای بااهمیت را محترم بشمارد. ویژگی‌های بااهمیت طبیعی، همچون شکل طبیعی دریا و درختان کهنسال، ضمن قرارگیری ساختمان جدید باید حفظ و امکان تخریب منابع باستان‌شناسی شناخته‌شده در طول ساخت، باید به حداقل برسد.	عقب‌نشینی، جهت‌گیری، تقسیم‌بندی، فاصله‌بندی، فضای پُر و خالی، دید و چشم‌انداز، عناصر شاخص طبیعی، منابع باستان‌شناسی
مقیاس	– مقیاس یک بنا، عاملی نسبی است و به اندازه ظاهری یک بنا در ارتباط با بناهای مجاور آن بستگی دارد. ازاین‌رو طراحی جدید باید مقیاس غالب در زمینه ارزشمند(شامل: ارتفاع، حجم، تراکم و دانه‌بندی منطقه) را تشخیص دهد و به‌صورت سازگاری با آن منطبق شود، به‌طوری‌که بناهای ارزشمند مجاور را تحت‌الشعاع قرار ندهد و از ارزش دیدها و چشم‌اندازهای بااهمیت نکاهد.	ارتفاع، حجم، تراکم، تناسبات، دانه‌بندی، دید و چشم‌انداز
شکل	– فرم کلی، جرم، حجم، تناسبات و آرایش بخش‌های مختلف یک بنا، شکل آن را تشکیل می‌دهد. طراحی جدید در یک زمینهٔ ارزشمند باید با شکل غالب بناهای مجاور سازگار باشد؛ شکل بنای جدید نیازی ندارد که از بنای مجاور خود کپی‌برداری کند اما باید به‌صورت مناسبی با آن در ارتباط باشد. «خط آسمان» ممکن است نقش مهمی در تعیین خصوصیات بناهای مجاور داشته باشد، بنابراین ضمن در نظر گرفتن مقیاسی سازگار با خط آسمان موجود، فرم طراحی‌های جدید باید با خطوط آسمان غالب در زمینه هماهنگ باشد و آن‌ها را تقویت کند. – آنچه مهم است یافتن رابطه‌ای بین ساختار جدید و زمینه ارزشمند به صورتی پیوسته است. بدین منظور ایجاد ارتباط نزدیک‌تر طراح با استفاده‌کنندگان با به‌کارگیری «نمادهای آشنای فرهنگی»، می‌تواند به این موضوع مهم، کمک کند.	سبک، خط آسمان، سازگاری و تمایز، فضای واسط، بازتعریف خصوصیت، روحیه مکان نه روحیه زمان، هم‌خانوادگی احجام، نمادهای آشنای فرهنگی، ویژگی‌های بصری نما مانند: در، پنجره
مصالح و جزئیات	– سازگاری ساختمان‌های جدید در «پوستهٔ بیرونی» آن‌ها بسیار مهم است. مطمئناً انتخاب مصالح خارجی مناسب، به درکی از سازگاری مصالح پیشنهادی در ترکیب، مقیاس، مدول، الگو، بافت، رنگ و درخشندگی آن‌ها وابسته است. در یک مکان با خصوصیات ثابت، اغلب، مصالح ساختمانی و دامنه‌های رنگی غالبی، مخصوصاً در جزئیات و تزئینات، وجود دارد. ازاین‌رو طراحی‌های جدید باید مصالح و رنگ‌هایی که به‌صورت محلی و در بناهای مجاور استفاده‌شده‌اند را تشخیص دهند و از مصالحی با ترکیب رنگ‌هایی که هماهنگی بیشتری را با بناهای مجاور سبب می‌شود، استفاده کنند. – مصالح پیشنهادی لازم نیست که عیناً شبیه به مصالح بنای تاریخی باشند، بلکه آن‌ها باید هماهنگ باشند و به‌عنوان یک مرجع استفاده شوند اما از طرف دیگر نباید آن‌قدر متفاوت باشند که نسبت به بنای تاریخی، برجسته، محسوب شوند و دید را از بنای تاریخی منحرف کنند. – «آرایه‌ها، بافت بصری و تداعی» حاصل از آن، غالباً روش مطمئنی برای ایجاد رابطهٔ بصری سازگار میان ساختمان است. ازاین‌رو جزئیاتی که نقش مهمی در خصوصیات منطقه دارند، باید مشخص شوند. این جزئیات می‌توانند در طراحی بناهای جدید الهام‌بخش باشند و به‌عنوان مبنا برای طراحی‌های جدید در نظر گرفته شوند اما نباید عیناً از آن‌ها کپی‌برداری شود.	رنگ؛ جنس، مقیاس، بافت و ترکیب مصالح؛ سایه و روشن؛ درخشندگی؛ جزئیات اجرایی؛ آرایه‌های تزئینی

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

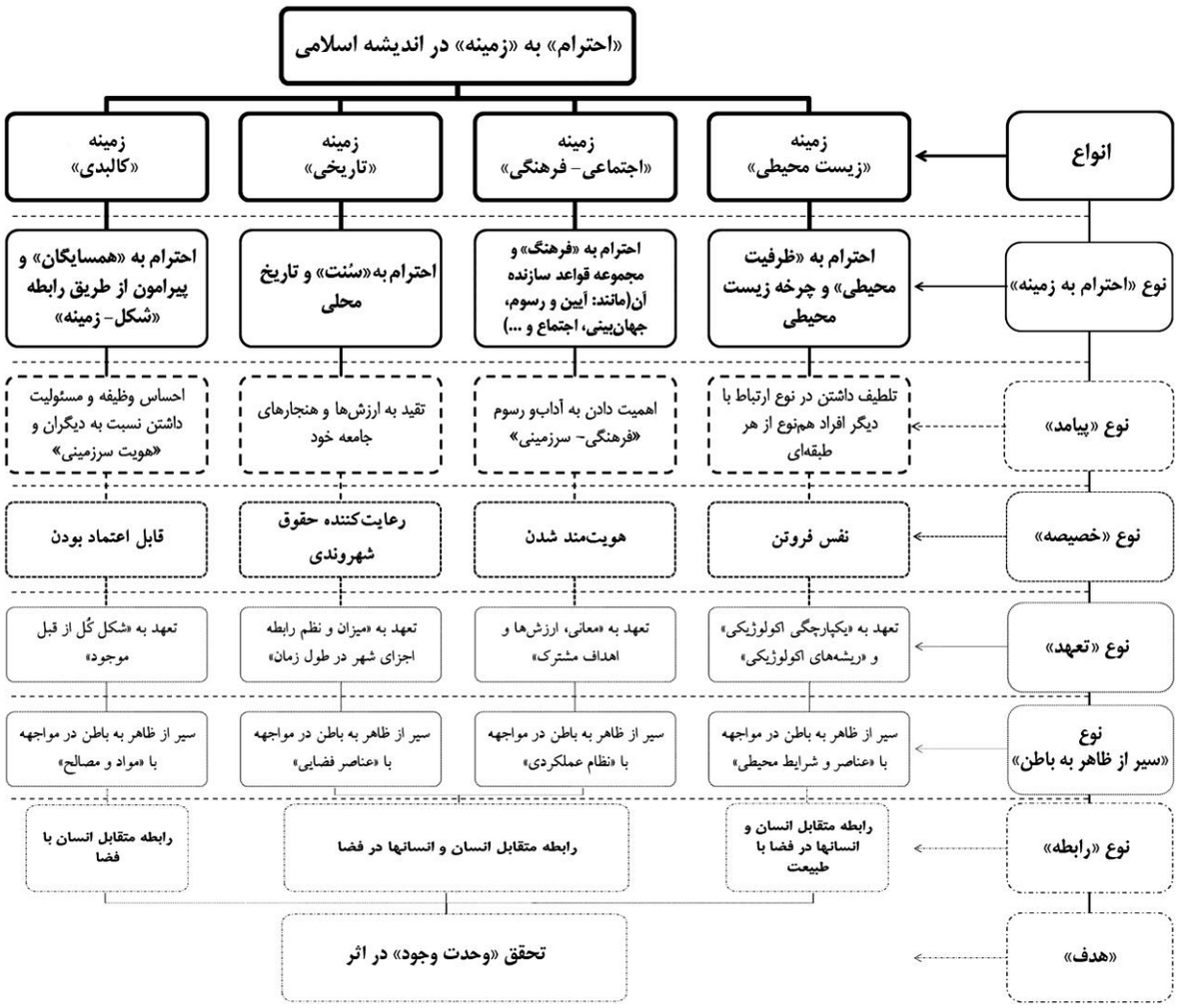

تصویر ۲: دیاگرام الگوی زمینه‌گرایی در اندیشه و شهر اسلامی
Fig. 2: Contextualism pattern diagram in thought and Islamic city

٤. تحلیل و بحث

در بازشناخت یک اثر معماری سه گونـه فضـای متفـاوت در تقابل با یکدیگر به میـدان مـی‌آینـد: الـف) فضـای فرهنگـی شخص سازندهٔ بنا، ب) فضای فرهنگی شخصـی کـه بـه بنـا می‌نگرد و ج) فضای فرهنگی شخصی که یافته‌های اظهارشده از سوی سازنده و استفاده‌کننده از بنا را به بستر نقد می‌بـرد و بر مبنای شناخت و بینش شخصی‌اش نسبت به بنا، هـر آنچـه را از ماهیت اثر درمی‌یابد، برای شخص چهـارمی بـه نمـایش می‌گذارد. به‌منظور تأویل هر الگو نیاز بـه دسـتیابی معیارهـای زیباشـناختی و معناشـناختی موجـود در مکـان- زمـان هـر متن(معماری) اجتناب‌ناپذیر است. زیرا مؤلف، هر مـتن را بـا توجه به قراردادها و در حیطهٔ ادبیات جامعهٔ خود، رمزگـذاری می‌کند؛ گیرندهٔ پیام نیز متن را با توجه به آموزه‌های رمـزین و ذهنی خود، رمزگشایی یا رمزشکنی می‌کنـد. او پیـام را از راه تأویل کدها می‌شناسد. این کدها، ریشه در روابط اجتمـاعی و فرهنگی جامعهٔ مصدر خود دارند. مؤلف و مخاطـب، هـر دو مقید به زمینه و شرایطی هستند که معمـاری در چـارچوب آن وضعیت پدید آمده است. معنای هر متن همواره از مـتن‌هـای از پیش موجود آن‌که به غیاب رانده‌شده‌اند، دریافت می‌شود.

ازاین‌رو برای درک کامل‌تر از موضوع، توجه به الگوها و فرآیندهای طراحی که توسط «معماران باتجربـه و دارای فکـر صحیح» ساخته می‌شود؛ یکی از راه‌های دستیابی به ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعهٔ معاصر است، زیرا این پروژه‌ها، از الگوهای ساده و پردوامی تبعیت می‌کند که از فرهنگ، عقاید،

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

طبیعت و روش‌های زندگی جامعه سرچشمه گرفته‌شده است؛ که تبدیل این عوامل به «الگوهای معماری» باید برای مردم تشریح و آن‌چنان عمل شود که اصول ساده و پردوام خودبه‌خود زمینهٔ طرح‌های معماری شود و کار از تفنن و نوآوری مغشوش و بازی با فضاها و امکانات محدود جامعه به دور باشد. هدف از این پژوهش، تحلیل الگوها و رویه‌های «معماری زمینه‌گرا در اندیشه و شهرهای اسلامی» در عصر جهانی‌سازی(یکسان‌سازی) به‌منظور دستیابی به منشأ واحد، اصول راهنما و رهنمودهای اجرایی، جهت استفادهٔ طراحان به‌منظور طراحی ساختمان‌های جدید در زمینه‌ها و بافت‌های ارزشمند شهرهای اسلامی است؛ زیرا «شکل‌ها و قالب‌های آینده در ارتباط با گذشته، زاده خواهند شد و اصول پُردوام و تکرارشوندهٔ گذشته باتجربه و بینش جدید، صورت نوین خود را خواهند یافت».

نتیجه‌گیری

«فرهنگ دینی»، روح زیبا را زایندهٔ زیبایی و روح زشت را زایندهٔ زشتی می‌داند؛ هر آنچه که از سر انگشتان انسان به منصه ظهور می‌رسد، تجسمی از شخصیت پنهانی و تبلوری از وجود روحانی وی است. به تعبیر دیگر می‌توان گفت که زیبایی و شکوه هنر گذشتگان، نتیجهٔ حلول معنویت و باورهای دینی و اتصال با حقیقت است و ایشان، بر این «اتصال» مواظبتی در خور و شایسته داشتند. آنچه که قابل ذکر است تمامی روش‌ها و شیوه‌های معمارانه درک «زمینه» در شهر اسلامی که به صورت‌های «کالبدی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و ...» اتفاق می‌افتد در یک‌سو و در سوی دیگر فهم بینش شکل‌دهنده به این نوع معماری و شهرسازی، حائز اهمیت است؛ بینشی که هم «توانمندی شهر» و هم «شکیبایی» آن، در چهرهٔ شهر و در رفتار شهروندان، قابل شناخت و سنجش است. صورت هنر اسلامی، محملی برای شناخت مراتب متعالی وجود بود و از منبعی ملکوتی ارتزاق می‌کرد و آیینهٔ آن صورت حقیقی بود که خود، ماوراء صور محسوب می‌شد و هنرمند در چنین جامعه‌ای، همچون «نی» بود که «نی‌زننده» در آن می‌نواخت: «ما چو نایيم و نوا از ما ز توست/ ما چو چنگیم و صدا از ما ز توست(مولوی)». بر اساس دیدگاه پژوهشگران حوزهٔ معماری اسلامی در ایران، هنرمند، هنر خود را وسیله‌ای برای ابراز وجود و بیان نفس نمی‌دانست زیرا «سخن» مهم بود نه «گوینده آن»، به همین دلیل، هنرمند این آثار «گمنام» می‌ماند. حالا برای احترام به چنین زمینه‌ای باید خود را آمادهٔ قرارگرفتن در آن محضر کرد، منظور، بیشتر، تأکید بر مبانی نظری است که در پس بینش عرفانی معمار و هنرمند ایرانی بوده است.

فهرست منابع

اردلان، نادر، و بختیار، لاله. ۱۳۸۰. *حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی*. ترجمه حمید شاهرخ. اصفهان: نشر خاک.

اسلامی، سیدغلامرضا. ۱۳۹۰. *درس‌گفتار «مبانی نظری معماری»*. دانشکده معماری. پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

اسلامی، سیدغلامرضا، و شاهین‌راد، مهنوش. ۱۳۹۱. بازشناسی اصل افقی‌گرایی در معماری اسلامی. *فصلنامه علمی کیمیای هنر* ۱(۲) ٤۱-٦٤.

اشرف، احمد. ۱۳۵۳. تحقیق در مسائل ایران: ویژگی‌های تاریخی شهر نشینی در ایران- دوره اسلامی. *نشریه مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)*، دوره قدیم، ٤: ۷- ٤۹ .

ایزدی، سعید. ۱۳۹۸. بازخوانی روند رشد و توسعه اندیشه‌های خلاق در بازشناسی مبانی شهرنشینی و شهرسازی ایرانشهر. *فصلنامه حفاظت از بناهای تاریخی*، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، شماره ۱. در دست چاپ .

بابایی، سعید، و مهدی خاک‌زند. ۱۳۹۷. زمینه‌گرایی در آثار معماران غیرایرانی در دورهٔ پهلوی اول (مدرسه البرز و ایرانشهر). *دو فصلنامه*

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

علمی مطالعات معماری ایران ۸(۱٤): ۱۷۱- ۱۹۰ .

بایزیدی، قادر، ایرج اعتصام، فرح حبیب، و سید مصطفی مختاباد امرئی. ۱۳۹۲. جستاری بر تبیین دیدگاه‌های منطقه‌گرایی و سیر تحول آن‌ها در معماری معاصر. *فصلنامه علمی نقش‌جهان* ۳(۱): ۷- ۱۸ .

بذرافکن، کاوه، علی‌اکبر اکبری، فرهاد تهرانی، و حسین سلطان‌زاده. ۱۳۹٦. تبیین روش‌های طراحی زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی در معماری ایران (نمونه مطالعاتی: اثرهای شاخص با دوره‌های زمانی متفاوت از معماری شهر تهران). *فصلنامه علمی مدیریت شهری* ۱٦(۳): ۳۲۷- ۳٤۲ .

برولین، برنت. ۱۳۸٦. *معماری زمینه‌گرا (سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم)*. ترجمه راضیه رضازاده. چاپ دوم، اصفهان: نشر خاک.

بلخاری‌قهی، حسن. ۱۳۸٤. *مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی*. سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه هنری سوره مهر، تهران.

پوراحمد، احمد، و سیروس موسوی. ۱۳۸۹. ماهیت اجتماعی شهر اسلامی. *فصلنامه علمی مطالعات شهر ایرانی‌اسلامی* ۱(۲): ۱- ۱۱ .

بهزادفر، مصطفی. ۱۳۸٤. *روش‌های طراحی شهری ۱*. جزوه درسی و درس‌گفتارهای دوره کارشناسی‌ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم‌وصنعت ایران.

پالاسما، یوهانی. ۱۳۹۲. *دست متفکر؛ حکمت وجود متجسد در معماری*. ترجمه علی اکبری. تهران: نشر پرهام نقش.

پورجعفر، محمدرضا، احسان رنجبر، و آرین امیرخانی. ۱۳۸۷. بررسی چگونگی به کارگیری مفاهیم و آداب سنتی-آیینی در خلق فضاها و آثار معماران معاصر ژاپن. *ماهنامه علمی باغ نظر* ۵(۹): ۳- ۲۲ .

پورجعفر، محمدرضا، علی پورجعفر، و سیما صفدری. ۱۳۹٤. انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهری آرمانی- اسلامی. *فصلنامه علمی پژوهش‌های معماری اسلامی* ۳(۳): ۳- ۲۱ .

پیربابایی، محمدتقی، مینو قره‌بگلو، و زهرا علی‌نام. ۱۳۹۵. بررسی تأثیر عوامل فردی در مطالعه فرآیندمحور دلبستگی به مکان با رویکرد روان‌شناسی شناختی. *نشریه علمی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی* ۲۱(۲): ۵۵- ٦۸ .

پیربابایی، محمدتقی، و اصغر مولائی. ۱۳۹۵. طراحی شهری و منطقه‌ای زمینه‌گرا در مسیر سفر امام رضا(ع) به ایران. *فصلنامه علمی فرهنگ رضوی* ٤(۱٦): ۱۰۱- ۱٤۲ .

پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۳. *سبک‌شناسی معماری ایرانی*. تهران: سروش دانش.

تابان، محسن، لیلاسادات هاشمی‌دمنه، محمدرضا پورجعفر، حسنعلی پورمند، و حسین ذبیحی. ۱۳۹۰. پدیدارشناسی هویت و مکان در بافت‌های تاریخی. *فصلنامه علمی مطالعات شهر ایرانی‌اسلامی* ۱(۳): ۱۱- ۲۰ .

تقوایی، ویدا. ۱۳۹۵. *از مبانی نظری تا مبانی نظری در هنر و معماری*، تهران: دانشگاه فنی و حرفه‌ای.

تولایی، نوین. ۱۳۸۰. زمینه‌گرایی در شهرسازی. *نشریه علمی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی* ۱۰: ۳٤- ٤۳ .

حجت، عیسی. ۱۳۹۱. *سنت و بدعت در آموزش معماری*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رضایی، محمود. ۱۳۹۳. *آنالوطیقای طراحی: بازنگری انگاره‌ها و پنداره‌ها در فرآیند طراحی فرم و فضای معاصر*. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

رئیسی، محمدمنان. ۱۳۹۵. *علت کاوی بحران هویت در معماری و شهرسازی معاصر ایران با تأکید بر سه‌گانه بینش، ارزش و کنش*. *نشریه علمی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی* ۲۱(٤): ٦۳- ۷٤ .

زارع‌زاده، معصومه، سارا دانشمند، و محمد علی‌آبادی. ۱۳۹٤. *چگونگی مداخله زمینه‌گرا در پایداری و باززنده‌سازی بافت‌های تاریخی با بهره‌گیری از روش چیدمان فضا (نمونه‌موردی: پیشنهاد طراحی مجموعه گردشگری ابرکوه)*. *دوفصلنامه علمی معماری و شهرسازی پایدار* ۳(۱): ۷۵- ۹۰ .

کونئو، پائولو. ۱۳۸٤. *تاریخ شهرسازی جهان اسلام*. ترجمه سعید تیزقلم زنوزی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

گنجی‌خیبری، ابوالفضل، داراب دیبا، و آزاده شاهچراغی. ۱۳۹٤. تبعیت فرم از داده: *معماری زمینه‌گرا در عصر دیجیتال*. *ماهنامه علمی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران* ٦(۱۰): ٦۳- ۸۲ .

گلکار، کورش. ۱۳۸۷. *محیط بصری شهر؛ سیر رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار*. *فصلنامه علمی علوم محیطی* ۵(٤): ۹۵- ۱۱۳ .

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

شاه‌تیموری، یلدا، و حامد مظاهریان. ۱۳۹۱. *رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینهٔ تاریخی. نشریه علمی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی* ۱۷(٤): ۲۹- ٤۰ .

شریف‌شهیدی، محمد، محمدرضا بمانیان، و مهزاد یالپانیان. ۱۳۸۷. *نقش پژوهش در فرآیند آموزش طراحی معماری. فصلنامه علمی هویت شهر* ۲(۲): ۸۱- ۹۲ .

صدیق‌سروستانی، رحمت‌ا.... ۱۳۷۹. *فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزهٔ آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران. نشریه نامه علوم اجتماعی* ۱۵(۱۵): ٦۷- ۱۰۳ .

صیادی، سیداحسان، سیدمهدی مداحی، و علی محمدپور. ۱۳۹۰. *معماری پایدار*. تهران: انتشارات لوتس.

طباطبایی، محمدحسین. ۱۳٦۳. *تفسیرالمیزان*. ترجمه محمدباقر مؤسس همدانی. قم: انتشارات رجا.

فیلدن، برنارد ملشیور، و یوکایو یوکیلتو. ۱۳۸٦. *مدیریت در محوطه‌های میراث جهانی (راهنمای مدیریت در محوطه‌های میراث فرهنگی جهان)*. ترجمه پیروز حناچی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

قاسمی، حاکم. ۱۳۹٦. *آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی. دوفصلنامه علمی آینده‌پژوهی ایران* ۲(۲): ۱- ۲ .

قرآن‌کریم. ۱۳۹۰. ترجمه مهدی الهی قمشه ای. تهران: سازمان چاپ و نشر.

قربانی، رحیم و همکاران. ۱۳۹۱. *شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی*. مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری و پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی(ص)، تهران.

قره‌بگلو، مینو، و مسعود ناری‌قمی. ۱۳۹٤. *الگوواره دانش روانشناختی محیط در تعامل با اندیشه اسلامی. فصلنامه علمی-پژوهشی معماری اسلامی* ۳(۱): ۱۹- ۳۸ .

قره‌بگلو، مینو، امیرحسین فرشچیان، و زهرا محمدعلیان. ۱۳۹۵. *تأثیر و تأثیرات تعاملات اجتماعی بر خلق مکان در معماری اسلامی. ماهنامه شباک (مطالعات هنر و علوم انسانی)* ۲(۸و۹): ۱- ۱۸ .

قیومی بیدهندی، مهرداد. ۱۳۹۰. *گفتارهایی در مبانی و تاریخ معماری و هنر*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مولوی، محمد. ۱۳۹٦. *گرایش اجتماعی در تفاسیر قرآن پیشران مؤثر در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی. دوفصلنامه علمی آینده‌پژوهی ایران* ۲(۳): ۱٤۱- ۱٦۰ .

مرتضی، هشام. ۱۳۸۷. *اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام*. ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی. تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی- تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

مسعود، محمد، و مسعود بیگ‌زاده شهرکی. ۱۳۹۲. *بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی (مبانی طراحی شهری و معیارهای ارزیابی)*. تهران: انتشارات آذرخش.

میرباقری، سیدمحمد مهدی. ۱۳۹۳. *هنر، دین، تجدد، گفتارهایی در مبانی هنر*. قم: انتشارات کتاب فردا.

میرزاحسینی، مرتضی، حسین سلطان‌زاده، و فریبا البرزی. ۱۳۹۸. نقش مهندسان آلمانی در معماری معاصر ایران (با تأکید بر دورهٔ پهلوی اول بین سال‌های ۱۳۰٤ تا ۱۳۲۰). *ماهنامه علمی باغ نظر* ۱٦(۷۵): ۵۳- ۷۰ .

میرسجادی، سیدامیر، و هیرو فرکیش. ۱۳۹۵. *ارزیابی الگوها و شناخت فاکتورهای کالبدی تأثیرگذار در معماری خانه‌های تاریخی نیشابور جهت دستیابی به راهکارهای طراحی و الگوی ساخت منازل در بافت مسکونی سنتی*. فصلنامه علمی پژوهش‌های معماری اسلامی ٤(٤): ۷۲- ۹۲ .

نژاد ابراهیمی، احد، و امیرحسین فرشچیان. ۱۳۹۳. *رابطه اخلاق و فناوری در معماری برای جامعه اسلامی. فصلنامه علمی پژوهش‌های معماری اسلامی* ۲(۳): ۱۱٤- ۱۳۱ .

نصر، سیدحسین. ۱۳۹٤. *هنر و معنویت اسلامی*. ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: انتشارات حکمت.

نقره‌کار، عبدالحمید، و مهدی حمزه‌نژاد، و آیسان فروزنده. ۱۳۸۸. *راز جاودانگی آثار معماری (تحلیلی بر نگرش‌های نوگرا، فرانوگرا و رویکردهای فراگیرتر). ماهنامه باغ نظر* ۶(۱۲): ۳۱- ٤٤ .

نقوی، پویان، و حامد مظاهریان. ۱۳۹۸. *تحلیل نظریات معاصر در مواجهه با زمینه در طراحی معماری. ماهنامه علمی باغ نظر* ۱٦(۷٤): ٦۹-۸۰.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۱. *تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی. نشریه علمی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی* ۱۱(۱۱): ٦۲- ۷٦ .

نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹٤. *آموزه‌های قرآنی و شهر آرمانی اسلام. فصلنامه علمی پژوهش‌های معماری اسلامی* ۳(۸): ٤٦- ٦۷ .

هاشم‌پور، پریسا، احد نژادابراهیمی، و ثنا یزدانی. ۱۳۹۷. *کاربست رویکرد زمینه‌گرایی در بازآفرینی بافت‌های تاریخی (نمونه‌موردی: میدان صاحب‌الامر تبریز). دوفصلنامه علمی معماری و شهرسازی پایدار* ٦(۱): ۱۰۵- ۱۲٦.

هوشیار یوسفی، بهرام. ۱۳۹٤. *سرنخ‌هایی در مقوله «هویت معمارانه». فصلنامه تخصصی طراح* ۱۱: ۷٤- ۸۱ .

هوشیار یوسفی، بهرام، و عطا چوخاچیان. ۱۳۹٤. *وقتی از «هویت» حرف می‌زنیم یعنی می‌خواهیم «فرهنگ معماری» را بفهمیم .... فصلنامه تخصصی طراح* ۱۱: ٥٤- ٥۹ .

منابع انگلیسی

The Holy Quran. 2010. Translated by Mahdi Elahi Ghomshehei. Tehran: Printing and Publishing Organization.

Ardalan, N., Sert, J. L., Doshi, B., Safdie, M., and Candilis, G. 1976. *Habitat Bill of Rights, Ministry of Housing.* Persian: Imperial Government of Iran. [In Persian]

Ardalan, Nader., and Bakhtiar, Laleh. 2001. *The sense of unity : the Sufi tradition in Persian architecture*. Translated by Hamid Shahrokh. Isfahan: Khak Publishing. [In Persian]

Ashraf, Ahmad. 1975. Historical features of urbanization in Iran - Islamic period. Publication info Journal (4): 7-49. [In Persian]

Babaei, Saeid., and Khakzand, Mehdi. 2019. *Contextualism in the Works of Non-Iranian Architects during the Pahlavi I Era Case Study: Alborz and Iranshahr Schools*. Journal of Iranian Architecture Studies 8(14): 171-189. [In Persian]

Bayzidi, Q., Etesam, I., Farah, H., and Mokhtabad Amrei, S.M. 2013. Explanation of Regionalistic Viewpoints & their Evolution in Contemporary Architecture. Journal of Naqshejahan (Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning) 3(1): 7-18. [In Persian]

Bazrafkan, K., Akbari, A.A., Tehrani, F., and SoltanZadeh, H. . 2017. *Conceptualism and Regionalism Planning Methods in the Iranian Architecture (Case Study: Distinctive Works of Different Eras in Tehran Architecture)*. Intenational Journal of Urban and Rural Management 16(48): 327-342. [In Persian]

Behzadfar, Mostafa. 2005. *Urban Design Methods 1*. Postgraduate Courses and Lectures in Urban Design, Department of Urban Planning, School of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science & Technology. [In Persian]

Bolkhari Ghahi, Hassan . 2005. *Mystical Foundations of Islamic Art and Architecture*. Tehran: Sooore Mehr Publishing Co. [In Persian]

Brolin, Brent C. 2007. Architecture in context: pitting new buildings with old. Translated by Rezazadeh. Second Edition. Isfahan: Khak Publishing.

Cumeo, Paolo. 2005. *Storia dell urbanistica Il mondo islamico*. Translated by Saeed Tizghalam. Tehran: Civil and Rehabilitation Company.

Fazelian, S.M., and Eqbali, S. R. 2017. *Lifestyle; the neglected element of Islamic architecture*. Journal of Interdisciplinary Studies in the humanities 10(1): 57- 80. [In Persian]

Feilden, Bernard M. 1998. *Management guidelines for world cultural heritage sites*. Translated by Piroz Hanachi. Tehran: University of Tehran Press(UTP).

Frampton, Kenneth. 1995. *Studies in Tectonic Culture*. Edited: John Cava. USA: Boston.

Ganji Kheibari, A., Diba, D., and Shahcheraghi, A. 2015. *Form compliance with data: contextual architecture in the digital age*. Journal of Iranian Architecture and Urbanism 6(10): 63- 82. [In Persian]

Golkar, K. 2008. *Concptual Evolution of Urban Visual Environment; Form Cosmetic Approach Through to Sustainable Approach*. Journal of Environmental Sciences 5(4): 95- 113. [In Persian]

Ghasemi, Hakem. 2018. *Islamic Civilization in Transition; the Necessity of Foresight and Strategic Planning in Creating the New Islamic Civilization*. Journal of Iran Futures Studies 2(2): 3- 21. [In Persian]

Ghorbani, Rahim. 2012. *Indicators of Islamic Architecture and Urban Planning*. Tehran: Presidential Strategic Studies Center and Al-Mustafa International Research Center. [In Persian]

Gharehbaglou, Minou., and Nari Ghomi, Masud. 2015. *A Model of Environmental Psychology in interaction with Islamic thought*. Journal of Researches in Islamic Architecture 3(1): 19- 36. [In Persian]

Gharehbaglou, M., Farshcian, A.H., and Mohammad Alian, Z. 2016. *The Influence and Effects of Social Interaction on Place Creation in Islamic Architecture*. Journal of Arts and Humanities Studies 2(8-9): 1- 18. [In Persian]

Gregotti, Vittorrio. Et al. 1992. Contextualism?. Lotus International. (74).

Hashempour. P., Nezhadebrahimi, A., and Yazdani, S. 2018. *Applying the contextualism approach in regeneration of historical textures(Case Study: Tabriz SAHEB-AL-AMR Square)*. Journal of Sustainable Architecture and Urban Design 6(1): 105- 126. [In Persian]

Hooshyar Yousefi, Bahram. 2015. *Some Clues about Architectural Identity*. Designer Magazine (11): 75- 80. [In Persian]

Hooshyar Yousefi, Bahram., and Chokhachian, Ata. 2015. *A Search for the Lost Identity*. Designer Magazine (11): 55- 58. [In Persian]

Hojat, Isah. 2012. *Tradition and Innovation in Architectural Education*. Tehran: University of Tehran Press(UTP). [In Persian]

Islami, Gholamreza. 1998. *Endogenous development: A model for the Process of Man-Environment Transaction*. unpublished

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

PhD Thesis. Heriot-Wat University. Faculty of Environmental Studies. Edinburgh College of Art. Depatment of Architecture. Edinburgh. U.K.
Islami, Seyed Gholamreza. 2011. *Lessons on architectural theory*. Architecture Department. University of Tehran. [In Persian]
Islami, Seyed Gholam Reza., and Shahinrad, Mahnoosh. 2012. *The Principle of Horizontality in Islamic Architecture*. Journal of Kimiya-ye-Honar 1(2): 41- 64. [In Persian]
Izadi, Mohammad Saeid. 2019. *Reflection of the Growth and Development of Creative Thoughts in Recognizing the Foundations of Iranshahr Urbanization*. Journal of Conservation of Historical Area 1(in print queue). [In Persian]
J. Fox, Eric. 2008. *Conceptualisttic Perspectives*. Western Michigan University. Kalamazoo. Michigan (5): 55- 66.
Jormakka, Kari. 2017. *Basics design methods*. Birkhäuser.
Masoud, Mohammad., and Beigzadeh Shahraki, Masoud. 2013. *Intermediate Buildings in Historical Contexts(Basics of Urban Design and Evaluation Criteria)*. Tehran: Azarakhsh Publishing. [In Persian]
MirBagheri, S.Mohammad Mehdi. 2014. *Art, Religion, Modernity(Speeches in Art Basics)*. Qom: Publication of Modern Islamic Civilization (affiliated to Institute of Islamic Culture). [In Persian]
Mirzahosseini, M., Soltanzadeh, H., and Alborzi, F. 2019. *The Role of German Engineers on Contemporary Iranian Architecture (With Emphasis on the First Pahlavi Period between 1925 and 1941)*. Journal of Bagh-e Nazar 16(75): 53- 70. [In Persian]
Mirsajadi, S. A., and Farkisch, H. 2017. *Recognition of Typology and Effective Physical Factors in Traditional Residential Tissue of Neyshabur*. Journal of Researches in Islamic Architecture 4(4): 71- 89. [In Persian]
Molavi, Mohammed. 2018. *The Social Approach to Quranic Tafsir as an Effective Driving Force in the Shaping and Prosperity of the New Islamic Civilization*. Journal of Iran Futures Studies 2(2): 141- 160. [In Persian]
Mortada, Hisham. 2005. *Traditional Islamic principles of built environment*. Translated by Meshkini and Habibi. Tehran: Iranian Center for Urban Studies and Research. [In Persian]
Mozaffari, Ali. 2014. *Forming National Identity in Iran: The Idea of Homeland Derived from Ancient Persian and Islamic Imaginations of Place*. Visual Culture: Art Theory & Aesthetics. London: I.B.Tauris & Co Ltd.
Nasr, Seyyed Hossein. 1990. Islamic art spirituality. Translated by Rahim Ghasemian. Tehran: Hekmat Publishing. [In Persian]
Naghavi, Pooyan., and Mazaherian, Hamed. 2019. *Analysis of Contemporary Theories When Encountering the Context in Architectural Design*. Journal of Bagh-e Nazar 16(74): 69- 80. [In Persian]
Naghizadeh, Mohammad. 2002. *The Influence of Architecture and the City on Cultural Values*. Journal of Honar-Ha-Ye-Ziba(Memari-va-Shahrsazi) 11(11): 62- 76. [In Persian]
Naghizadeh, Mohammad. 2014. Iranian Garden from Imagination to Reality. Tehran: Iranian Student Book Agency(ISBA) [In Persian]
Naghizadeh, Mohammad. 2015. *The "Quranic Teaching" and the "Ideal Islamic City"*. Journal of Researches in Islamic Architecture 3(3): 46- 64. [In Persian]
Nezh Edebrahimi, Ahad., and Farshchian, Amir Hossein. 2014. *The Relationship between Ethics and Technology in Architecture for the Islamic Community*. Journal of Researches in Islamic Architecture 2(3): 114- 131. [In Persian]
Noghrekar, A., Hamzenejad, M., and Forouzande, E. 2009. *Eternity Secret of Architectural Works (In Modernism, Post Modernism and More Inclusive View)*. Journal of Bagh-e Nazar 6(12): 31- 44. [In Persian]
Pallasma, Juhani. 2013. *The thinking hand : existential and embodied wisdom in arthitecture*. Translated by Ali Akbari. Tehran: Parham Naghsh Publishing.
Pirbabaei, M.T., Gharehbaglou, M., and Alinam, Z. 2016. *An investigation on the effects of individual factors in process-oriented study of place attachment with a cognitive psychological approach (Case study: The Gharebaghis' neighborhood of Tabriz)*. Journal of Honar-Ha-Ye-Ziba(Memari-va-Shahrsazi) 21(2): 55- 68. [In Persian]
Pirbabaei, Mohammad Taghi., and Molaei, Asghar. 2016. *The Contextual, Regional and Urban Design of the Path of Imam Reza's Journey to Iran*. Journal of Razavi Culture 4(16): 101-142. [In Persian]
Pirnia, Mohammad Karim. 2004. *Iranian Architecture Stylistics*. Tehran: Soroush Danesh. [In Persian]
PourAhmad, A., and Mousavi, S. 2011. *The social nature of Islamic city*. Journal of Studies on Iranian Islamic city. 1(2): 1- 12. [In Persian]
Pourjafar, M.R., Ranjbar, E., and Amirkhani, A. 2008. *The Quality of Traditional and Ethical Design Ideas Crystallizing in the Works of Contemporary Japanese Architects*. Journal of Bagh-e Nazar 5(9): 3- 22. [In Persian]
Pourjafar, M.R., Pourjafar, A., and Safdari, S. 2015. *Various Types of Islamic City and Pointing Out to Defining the Major Aspects of Ideal Islamic City*. Journal of Researches in Islamic Architecture 3(3): 1- 17. [In Persian]
Qayyoomi, Mehrdad. 2011. *Speeches in the basics and history of architecture and art*. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian]
Rapoport, A. 1969. *House Form and Culture*. New York: Prentice-Hall Inc.
Raeesi, Mohammad Mannan. 2017. *Seeking the cause of identity crisis in contemporary architecture and urbanism of Iran with emphasis on triple of vision and value and action*. Journal of Honar-Ha-Ye-Ziba(Memari-va-Shahrsazi) 21(4): 63- 74. [In Persian]
Rezaei, Mahmud. 2014. *Design Analytica: Reviewing Theories and Concepts in Contemporary*. Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch Publishing. [In Persian]
Sayyadi, S.E., Maddahi, S.M., and Mohammadpour, A. 2011. *Sustainable Architecture*. Tehran: Lutos Publishing. [In Persian]
Seddigh, R. 2000. *Meta-Analysis of Studies in the Field of Social Pathology in Iran*. Journal of Social Sciences Letter 15(15): 67-103. [In Persian]
Shahidi, M.SH., Bemanian, M.R., and Yalpanian, M. 2008. *The Role of Research in Architectural Design Training*. Journal of Hoviate Shahr 2(2): 81- 92. [In Persian]

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]

Shahteimori, Yalda., and Mazaherian, Hamed. 2013. *Design Guidelines for New Constructions in Historic Context*. Journal of Honar-Ha-Ye-Ziba(Memari-va-Shahrsazi) 17(4): 1- 15. [In Persian]

Taban, Mohsen., Hashemi Demneh, L.S., Pourjafar, M.R., Pourmand, H., and Zabihi, H. 2011. *The social nature of Islamic city*. Journal of Studies on Iranian Islamic city. 1(3): 11- 20. [In Persian]

Tabatabaie, Mohammad Hossein. 1984. *Tafsir Al-Mizan*. Translated by Mohammad Bagher Hamedani. Qom: Raja Publishing. [In Persian]

Taghvaie, Vida. 2016*. From Theoretical to Theoretical Foundations, in Art and Architecture*. Tehran: Technical & Vocational University. [In Persian]

Tavallaei, Novin. 2002. *Contextualism in Urban Planning*. Journal of Honar-Ha-Ye-Ziba(Memari-va-Shahrsazi) (10): 34- 43. [In Persian]

Trancik, Roger. 1986. *Finding lost Space: The Theories of Spatial Urban Design*. New York: Van Nostrand.

Lim, W. 2004. Architecture, Art, Identity: Is There Life in Singapore After Tabula Rasa?. in Identity Research/Research Papers: Architecture and Identity (Sponsored by Volkswagen Stiftung and Berlin University of Technology, .architecture-identity.de).

Zarezadeh, M., Daneshmand, S., and AliAbadi, M. 2015. *How to intervene with a field-oriented manner in the sustainability of historical contexts using Space Syntax method*. Journal of Sustainable Architecture and Urban Design 3(1): 75- 90. [In Persian]

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.8]